

فرهنگ پاسداری

میلااد حضرت زهرا(س) و روز زن
طلوع نوری در مکه: ولادت حضرت زهرا(س)
روز زن، روز بازگشت به هویت گمشده انسانیت
حضور زن در عرصه علم، فرهنگ و سیاست

هفته بسیج

بسیج، مدرسه مسئولیت و خودآگاهی اجتماعی
از جبهه های دیروز تا میدان های امروز
بسیج؛ مدرسه ایثار در عصر رفاه زدگی



مقام معظم رهبری (مدظله العالی):

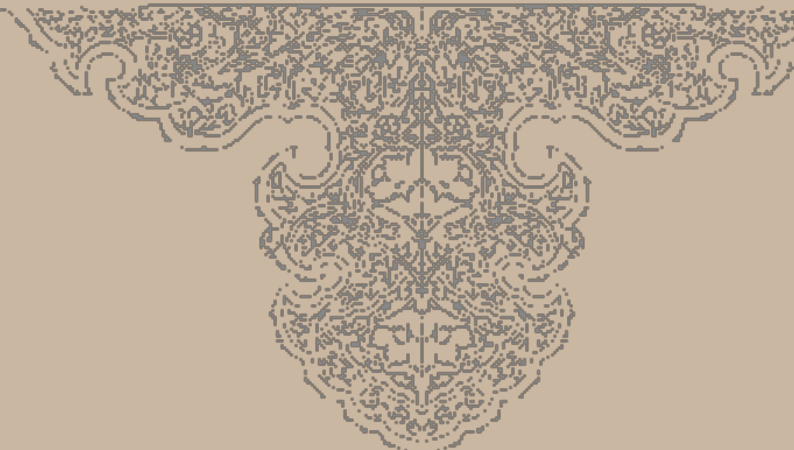
بسیج یعنی متن مردم؛ آن
مردمی که می توان امید دفاع
از انقلاب را از آن ها داشت.

حجاب شرط اول است

در نظام اسلامی زنان باید از درک سیاسی برخوردار باشند، فن خانه‌داری و همسردهاری را بدانند و در صحنه‌ی فعالیتهای اجتماعی، سیاسی و علمی مظهر عصمت و طهارت باشند و به این مهم توجه کنند که حجاب شرط اول است. زیرا بدون حجاب، زن فراغت لازم را برای دستیابی به مراتب بالا بدست نخواهد آورد.

۳۳
۷۲/۹/۱۷
رهبرانقلاب





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ پاسداری

آذرماه ۱۴۰۴

فهرست مطالب

- ۳ سخن آغازین
- ۴ طلوع نوری در مکه: ولادت حضرت زهرا(س)
- ۵ الگویی فراتر از زمان
- ۶ زن در آینه کرامت
- ۷ روز زن، روز بازگشت به هویت گمشده انسانیت
- ۸ زن و امید اجتماعی
- ۹ زن و مرد، دو یار در مسیر بندگی
- ۱۰ دو مسیر متفاوت برای رهایی زن
- ۱۱ حضور زن در عرصه علم، فرهنگ و سیاست
- ۱۲ زن و رسانه های اجتماعی
- ۱۳ ام البنین و بازخوانی مفهوم وفاداری فرهنگی در جامعه امروز
- ۱۴ حیات طیبه در نگاه امام خمینی(ره): ایمان، آگاهی و عمل
- ۱۵ ولایت فقیه؛ پاسخ امام به بحران اخلاق در سیاست مدرن
- ۱۶ استقلال سیاسی و اقتصادی در اندیشه امام
- ۱۷ بازخوانی سخنان امام خمینی(ره) درباره خطر تحریف انقلاب
- ۱۸ مناسبت های شمسی و قمری
- ۱۹ بسیج، مدرسه مسئولیت و خودآگاهی اجتماعی
- ۲۰ بصیرت در اندیشه اسلامی و انقلابی
- ۲۱ رابطه بین بصیرت و عمل انقلابی
- ۲۲ موضوعات گوناگون
- ۲۴ اخلاق بسیجی؛ جلوه ای از ایمان زنده
- ۲۵ از جبهه های دیروز تا میدان های امروز
- ۲۶ خدمت بی منت، الگویی از بسیج در بحران های اجتماعی
- ۲۷ بسیج؛ مدرسه ایثار در عصر رفاه زدگی
- ۲۸ رسانه بسیجی در عصر جنگ شناختی
- ۲۹ جوان بسیجی و فضای مجازی
- ۳۰ بسیج و ادبیات مقاومت
- ۳۱ بسیج علمی، جهاد در میدان فناوری و دانش بومی
- ۳۲ بسیج، ستون استوار مردم سالاری دینی در دنیای امروز
- ۳۳ بسیج و صیانت از هویت ملی در عصر جهانی سازی فرهنگی
- ۳۴ تمدن سازی نوین اسلامی و نقش نیروهای جهادی مردمی
- ۳۵ نسل زد و الگوی جدید از روحیه بسیجی
- ۳۶ گفت و گو با مدیر مرکز فرهنگی خواهران شاغل سپاه
- ۳۷ خستگی ناپذیری بسیج در میدان عمل
- ۳۸ تجربه، سرمایه ای برای ماندن در مسیر
- ۴۰ سیری در نهج البلاغه





سخن آغازین

مسئولیت تاریخی و اجتماعی در پرتو حقیقت زهرا (سلام الله علیها)

در روزگار ما، جامعه اسلامی بیش از هر زمان دیگر نیازمند احیای این روح زهرایی است. اگر بسیج را به قالب‌های اداری محدود کنیم، از جوهره آن فاصله گرفته‌ایم. بسیج زهرایی یعنی حضور مؤمنانه در میدان مسئولیت، ولو در اقلیت؛ یعنی دفاع از اصول حتی در طوفان بی‌عدالتی؛ یعنی بیداری در برابر تحریف و بی‌تفاوتی. چنین نگاهی می‌تواند جامعه را از رکود، تفرقه و عافیت‌طلبی نجات دهد و آن را به سوی عدالت، استقلال و پیشرفت معنوی سوق دهد.

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با عمل خود نشان داد که حرکت‌های اجتماعی مؤثر از **آگاهی و ایمان** آغاز می‌شوند. او با سلاح منطق و حقیقت، با زبان دعا و خطبه، و با صبر و استقامت، پیام الهی را زنده نگه داشت. در نگاه زهرایی، «بسیج» تنها دعوت به حضور نیست، بلکه دعوت به خودسازی، روشنگری و مسئولیت‌پذیری است. جامعه‌ای که بر مدار این بینش حرکت کند، در برابر هر هجمه فرهنگی و فکری مقاوم خواهد بود.

در مسیر فاطمه بودن

امروز، بازگشت به الگوی حضرت زهرا (س) یعنی بازگشت به جوهره بسیج؛ ایمان، آگاهی و اقدام. اگر جامعه امروز بخواهد از تکرار غفلت‌های تاریخی در امان بماند، باید روح زهرایی را در اندیشه و عمل خود زنده کند. هر جوان بسیجی، هر معلم، هر مادر و هر اندیشمند می‌تواند ادامه‌دهنده راه فاطمه باشد؛ راهی که در آن حقیقت بر مصلحت و ایمان بر ترس غلبه دارد. بسیج زهرایی یعنی ایستادگی تا آخرین نفس برای حق، حتی اگر ثمره‌اش تنها ماندن باشد.

ایرج فرامرزی

تأملی بر پیوند الگوی فاطمی و روح بسیجی

در تاریخ اسلام، اندک چهره‌هایی یافت می‌شوند که نه تنها با حیاتشان، بلکه با شهادتشان، معنا و مفهوم مسئولیت اجتماعی، آگاهی تاریخی و مقاومت در برابر انحراف را بازتعریف کرده‌اند. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بی‌تردید یکی از این چهره‌های بی‌بدیل است؛ بانویی که زندگی‌اش تبلور ایمان آگاهانه، بصیرت اجتماعی و فداکاری در راه حق بود و شهادتش سندی ماندگار بر مظلومیت و مقاومت در برابر تحریف و استبداد.

پس از رحلت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در حساس‌ترین بزنگاه تاریخی اسلام، به صحنه آمد تا با خطبه‌ها، موضع‌گیری‌ها و صبر انقلابی خود، مانع خاموشی چراغ ولایت شود.

او تنها یک زن مؤمن نبود، بلکه پیشاهنگ یک حرکت اجتماعی الهی بود؛ حرکتی که در بطن خود، الگوی حقیقی **بسیج ایمانی** را به نمایش گذاشت. اعتراض ایشان به انحراف امت و دفاع از حق، حرکتی عقلانی و الهی بود؛ حرکتی که می‌خواست جامعه را از غفلت بیدار کند و در مسیر حقیقت نگه دارد.

بسیج زهرایی؛ از ایمان تا اقدام

بسیج در مفهوم اصیل خود، یک نهاد محدود یا سازمان نظامی نیست؛ بلکه **تجلی روح الهی** در جان انسان مؤمن است. روحی که او را در لحظه‌های بحران به میدان دفاع از ارزش‌ها می‌کشاند. در وجود حضرت زهرا (س)، این روح در اوج خود متجلی شد. او با ایمان، آگاهی و شجاعت، در برابر قدرت‌های زمانه ایستاد و از ولایت و عدالت دفاع کرد. چنین روحیه‌ای، همان «بسیج زهرایی» است؛ بسیجی برخاسته از ایمان عمیق، آگاهی تاریخی و عشق به حقیقت.



طلوع نوری در مکه: ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ولادتی فراتر از یک تولد

در تاریخ اسلام، ولادت برخی انسان‌ها نه تنها به معنای آغاز حیات جسمانی، بلکه سرآغاز مأموریتی الهی و معنوی است. حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) یکی از این شخصیت‌هاست؛ دختری که نه تنها ثمره حیات پیامبر اسلام (صلی الله علیه) و خدیجه کبری (سلام الله علیها) بود، بلکه الگویی جاودانه برای تمام زنان و مردان آزاده در طول تاریخ شد. تولد او در مکه، در میانه تاریکی جاهلیت، نوری درخشید که تا امروز روشنی‌بخش راه مؤمنان است.

زمان و شرایط ولادت

بر پایه منابع معتبر شیعه و اهل سنت، حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) در روز بیستم جمادی الثانی، سال پنجم پس از بعثت، در مکه به دنیا آمد. این ولادت در زمانی رخ داد که پیامبر اکرم (صلی الله علیه) در اوج فشارهای مشرکان قریش و تحریم‌های اجتماعی قرار داشت. مکه هنوز در چنگال بت‌پرستی، تبعیض جنسیتی و جهل فرهنگی بود و به دنیا آمدن دختر را ننگ می‌دانستند. در چنین فضایی، دختری چشم به جهان گشود که بعدها نه تنها الگوی زنان، بلکه رهبر و اسوه‌ای برای تمام بشریت شد.

غذای بهشتی و منشأ نورانی

در منابع اسلامی، ماجرای شگفت‌انگیز درباره پیش‌زمینه ولادت حضرت فاطمه (سلام الله علیها) نقل شده است. روایت شده که پیامبر اکرم (صلی الله علیه) پیش از انعقاد نطفه ایشان، در شب معراج از میوه‌های بهشتی تناول نمود. به گفته امام صادق (علیه السلام): «فاطمه از میوه‌های بهشت آفریده شده است و هرگاه مشتاق بوی بهشت می‌شد، دخترش را می‌بویید.» (بحار الانوار، ج ۴۳)

این نکته، ولادت حضرت را از یک رخداد طبیعی، به حادثه‌ای فرابشری و نورانی بدل می‌سازد که نشان از نقش ویژه و جایگاه بلند او در عالم خلقت دارد.

تولدنی که نگاه به زن را تغییر داد

ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) چالشی اساسی برای ساختار بیمار جامعه جاهلی بود. جامعه‌ای که تولد دختر را عار می‌دانست و گاه آنان را زنده به گور می‌کرد، با دیدن محبت پیامبر (صلی الله علیه) به دخترش، دچار تزلزل شد. پیامبر نه تنها بارها فاطمه را می‌بوسید، بلکه به احترامش از جا برمی‌خاست. ایشان می‌فرمود: «فاطمه پاره تن من است؛ هر که او را بیازارد، مرا آزرده است.» این نوع رفتار و گفتار، بیانگر تغییری عمیق در فرهنگ اسلامی بود که زن را از ابزار لذت یا کالای اقتصادی، به جایگاه انسانی و الهی ارتقا داد.

مادر پدر؛ لقب ویژه فاطمه

یکی از زیباترین القاب حضرت زهرا (س)، «ام‌اینها» یعنی «مادر پدرش» است. این لقب که پیامبر (صلی الله علیه) شخصاً به او داد، نشان‌دهنده محبت، دلسوزی و بلوغ عاطفی و معنوی فاطمه در دوران نوجوانی بود. پس از وفات خدیجه (س)، او یار غم‌خوار پدر شد، زخم‌هایش را پانسمان می‌کرد، لباس‌هایش را می‌شست و دل او را آرام می‌نمود.

ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) تنها یک رخداد تاریخی نیست، بلکه آغاز جریان معرفتی، فرهنگی و اعتقادی‌ای است که با مفاهیمی همچون طهارت، ولایت، عفاف، عدالت و حق‌طلبی درآمیخته است. تولد او در مکه، نه پایان انتظار، بلکه آغاز رسالتی بود که هنوز هم بر دوش امت قرار دارد؛ رسالتی برای حفظ کرامت انسان و گسترش نور الهی.

سید جعفر شهیدی - زندگانی حضرت فاطمه زهرا (س).
محمدباقر مجلسی - بحار الانوار، ج ۴۳.
محمد رضا مظفر - تاریخ شیعه.

ولادت حضرت زهرا (سلام الله علیها) تنها یک رخداد تاریخی نیست، بلکه آغاز جریان معرفتی، فرهنگی و اعتقادی‌ای است که با مفاهیمی همچون طهارت، ولایت، عفاف، عدالت و حق‌طلبی درآمیخته است

الگوی فراتر از زمان



حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) با وجود عمر کوتاه خود، الگویی کامل از زن مسلمان را در سه بُعد فردی، خانوادگی و اجتماعی به نمایش گذاشتند. ایشان نه تنها در عبادت و بندگی، بلکه در همسر داری، تربیت فرزند، حضور اجتماعی، دفاع از حق و ولایت، و ایثارگری، نمونه‌ای بی‌بدیل بودند. در جامعه مدرن که زنان با چالش‌های هویتی، فرهنگی و اجتماعی مواجه‌اند، بازخوانی سیره فاطمی می‌تواند راهی برای بازسازی هویت زن مسلمان باشد.

نقش خانوادگی؛ ستون خانه و تربیت نسل

در بُعد خانوادگی، حضرت زهرا (سلام الله علیها) همسری وفادار و مادری دلسوز بودند. ایشان با وجود سختی‌های زندگی، خانه را به محیطی سرشار از محبت، تربیت و آرامش تبدیل کردند. تربیت فرزندان چون امام حسن و امام حسین (علیهم‌السلام) که هر دو نماد عدالت، شجاعت و ایمان‌اند، نشان‌دهنده نقش بی‌بدیل ایشان در پرورش نسل صالح است.

امام خمینی (ره) درباره نقش مادری حضرت زهرا می‌فرمایند: از دامن زن، مرد به معراج می‌رود (صحیفه امام، ج ۷) این جمله، بیانگر تأثیر عمیق زن در تربیت انسان‌هایی است که تاریخ را متحول می‌سازند.

نقش اجتماعی؛ حضور فعال با حفظ کرامت

حضرت زهرا (سلام الله علیها) با رعایت کامل حجاب و عفاف، در مهم‌ترین صحنه‌های اجتماعی و سیاسی حضور داشتند. خطبه فدکیه، دفاع از ولایت، و اعتراض به انحراف پس از رحلت پیامبر اکرم (ص)، نمونه‌هایی از حضور فعال ایشان در عرصه عمومی است. این حضور، نشان می‌دهد که زن مسلمان می‌تواند در جامعه نقش آفرین باشد، بدون آنکه کرامت و حیا را قربانی کند.

حضرتشان می‌فرماید: خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ (بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۹۱) این حدیث، تأکید بر حفظ مرزهای ارتباطی سالم در جامعه دارد، نه انزوا یا حذف زن از عرصه‌های اجتماعی.

الگوی زن مسلمان در جامعه مدرن

در دنیای امروز، زنان با الگوهای متنوعی مواجه‌اند؛ از الگوهای غربی که زن را در چارچوب مصرف‌گرایی و ظاهرگرایی تعریف می‌کنند، تا الگوهای سنتی که نقش زن را محدود به خانه می‌دانند. حضرت زهرا (سلام الله علیها) الگویی متعادل و الهی ارائه می‌دهند؛ الگویی که زن را در محور خانواده، جامعه، و بندگی خدا تعریف می‌کند.

دکتر مریم حاج عبد الباقی، پژوهشگر حوزه دین، می‌گوید: حضرت زهرا (س) برای زنان ما کامل‌ترین الگو هستند؛ می‌توان سرفصل‌های زندگی یک زن، یک مادر و یک مبارز را از ایشان استخراج کرد. این نگاه، نشان می‌دهد که زن مسلمان می‌تواند در جامعه مدرن، هم فعال باشد و هم اصالت خود را حفظ کند.

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) الگویی جامع برای زن مسلمان است؛ الگویی که در آن، ایمان، عقلانیت، عفاف، مسئولیت‌پذیری، و حضور اجتماعی در کنار هم معنا پیدا می‌کنند. جامعه مدرن، بیش از هر زمان دیگری نیازمند چنین الگویی است تا زنان بتوانند با حفظ هویت دینی، در مسیر تعالی فردی و اجتماعی گام بردارند.

منابع:

مجتبی عطارزاده، فاطمه زهرا الگوی حضور اجتماعی زن مسلمان
هدی سادات پاک‌نهاد، حضرت زهرا (س)، الگوی بی‌بدیل یک زن مسلمان، ایرنا زندگی

حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها)
الگویی جامع برای زن مسلمان است؛
الگویی که در آن، ایمان، عقلانیت، عفاف،
مسئولیت‌پذیری، و حضور اجتماعی در کنار
هم معنا پیدا می‌کنند. جامعه مدرن، بیش از
هر زمان دیگری نیازمند چنین الگویی است



زن در آینه کرامت؛ بازخوانی نگاه فاطمی در برابر نگاه ابزاری دنیای مدرن

زن، جلوه کرامت الهی

نگاه فاطمی، زن مظهر رحمت الهی است؛ او هم اهل علم است، هم اهل عبادت و هم اهل ایثار. اگر جهان مدرن، زن را در رقابت ظاهری و جذابیت جسمانی تعریف می‌کند، الگوی فاطمی زن را با معیار آگاهی، حیا و خدمت به انسان معرفی می‌کند.

کرامت زن؛ از خانه تا جامعه

کرامت زن تنها در خانواده خلاصه نمی‌شود. در جامعه اسلامی، زن نقش آفرین در علم، فرهنگ و تربیت نسل است. امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود نوشت: «زن، مربی جامعه است؛ از دامن او انسان برمی‌خیزد.» او باور داشت که هر تحول تمدنی، از اندیشه و قلب زنان آغاز می‌شود. در روان‌شناسی اجتماعی نیز ثابت شده است که خانواده‌هایی با مادران آگاه و مهربان، دارای نسل‌هایی سالم‌تر و مسئول‌ترند.

بازگشت به نگاه فاطمی در عصر رسانه

در زمانه‌ای که رسانه‌ها معیار ارزش زن را «ظاهر» معرفی می‌کنند، بازگشت به نگاه فاطمی، ضرورتی فرهنگی است. زن باید دوباره به خود حقیقی خویش بازگردد: انسانی آزاد، مؤمن و اندیشمند. قرآن در سوره احزاب آیه ۳۵ از زنان و مردان مؤمن یاد می‌کند که «أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ خداوند برای آنان پاداشی بزرگ آماده کرده است. در این نگاه، معیار ارزش، ایمان و عمل صالح است، نه جنسیت و ظاهر. زن فاطمی، انسانی است که خود را در پرتو نور الهی می‌بیند، نه در آینه تبلیغات جهانی.

منابع:

نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

در منطق قرآن، زن نه جنس دوم، بلکه نشانه‌ای از حکمت الهی در آفرینش است. قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»؛ ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید که شما را از نفس واحدی آفرید. این آیه، هرگونه تبعیض جنسیتی را باطل می‌کند و زن را هم‌تراز مرد در کرامت انسانی می‌نشانند. در نگاه اسلامی، کرامت زن در روح و ایمان اوست، نه در ظاهر و کالای مصرفی بودن. جهان مدرن، با وجود شعارهای آزادی، زن را از جایگاه انسان الهی به ابزاری تبلیغاتی و اقتصادی فروکاسته است. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۲۵۷ می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَلَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»؛ زن گل خوشبوست، نه کارگزار و ابزار. این نگاه، لطافت و شأن زن را در خدمت زیبایی معنوی معرفی می‌کند، نه در خدمت بازار و منفعت.

دنیای مدرن و اسارت در نقاب آزادی

جهان مدرن، زن را از بند سنت‌های ناعادلانه رها کرد، اما در بند سرمایه‌داری و مصرف‌گرایی اسیر ساخت. امروز، تبلیغات و رسانه‌ها از چهره و بدن زن برای فروش کالا و جلب مخاطب استفاده می‌کنند. این همان بردگی نوینی است که در پوشش آزادی پنهان شده است. قرآن در سوره نور آیه ۳۱ فرمان می‌دهد: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»؛ به زنان مؤمن بگو چشم‌هایشان را فروگیرند و پاکدامنی خویش را حفظ کنند. این آیه، دعوت به عفاف است، نه محدودیت؛ صیانت از کرامت در برابر نگاه ابزاری. اسلام با حفظ پوشش، نه زن را محبوس، بلکه شأن او را محفوظ می‌خواهد.

الگوی فاطمی؛ زن در تراز عقل و ایمان

حضرت فاطمه زهرا (س)، الگویی جاودانه از زن کامل است؛ زنی که در او، ایمان، علم، مسئولیت و مهر جمع است. او نه تنها مادر و همسر، بلکه مربی و روشنگر جامعه بود. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۱، ص ۴۶۱) می‌فرماید: «فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ»؛ فاطمه، حجت خدا بر مردم است. این جمله، جایگاه فکری و معنوی زن را در بالاترین مرتبه ممکن قرار می‌دهد. در

در نگاه فاطمی، زن مظهر رحمت الهی است؛ او هم اهل علم است، هم اهل عبادت و هم اهل ایثار. اگر جهان مدرن، زن را در رقابت ظاهری و جذابیت جسمانی تعریف می‌کند، الگوی فاطمی زن را با معیار آگاهی، حیا و خدمت به انسان معرفی می‌کند.



روز زن، روز بازگشت به هویت گمشده انسانیت

عمل، او را در بند فرهنگ مصرف‌گرایی گرفتار کرده است. زن مدرن، گاه قربانی همان نگاهی است که در پوشش آزادی، از او برای فروش و سیاست بهره می‌برد. امام خمینی (ره) می‌فرمود: «زن باید انسان‌ساز باشد، نه ملعبه دست». این سخن، خلاصه فلسفه روز زن است: نجات زن از ابزارشدگی و بازگرداندن او به جایگاه انسان کامل. روان‌شناسان اجتماعی نیز هشدار داده‌اند که هویت زن مدرن، میان دو فشار متضاد گرفتار است: میل به خودنمایی و نیاز به احترام. تنها با بازگشت به معنویت و شناخت خود به‌عنوان «انسان»، این تعارض حل می‌شود.

روز زن؛ روز احیای اخلاق و خانواده

در فرهنگ اسلامی، زن ستون خانواده و سرچشمه محبت است. قرآن در سوره روم آیه ۲۱ می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً»؛ خدا میان شما محبت و رحمت قرار داد. این آیه نشان می‌دهد که اساس جامعه سالم، بر محور عاطفه زنانه و مهر مادری است. روز زن، یادآور آن است که بدون حضور معنوی زن، نه خانواده معنا دارد و نه جامعه تعادل.

روز زن، در مکتب فاطمی، روز بازگشت به «هویت گمشده انسانیت» است؛ هویتی که در آن زن، نه تابع مرد است و نه در تقابل با او، بلکه شریک در مأموریت انسان‌سازی است. زن در نگاه قرآن، چراغ هدایت خانواده و آیینه صفات الهی است.

منابع:

نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

روز زن، در مکتب فاطمی، روز بازگشت به «هویت گمشده انسانیت» است؛ هویتی که در آن زن، نه تابع مرد است و نه در تقابل با او، بلکه شریک در مأموریت انسان‌سازی است. زن در نگاه قرآن، چراغ هدایت خانواده و آیینه صفات الهی است.

بزرگداشت زن؛ یادآوری فراموشی انسان

هر سال، روز زن در تقویم‌ها تکرار می‌شود، اما حقیقت آن، یادآوری یک فراموشی بزرگ است: فراموشی انسانیت در چهره زن. جهان مدرن، در ظاهر مدافع حقوق زن است، اما در عمل، او را از کرامت انسانی‌اش تهی کرده و به ابزار مصرف، تبلیغ و رقابت بدل ساخته است. قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ»؛ گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست. در منطق الهی، نه جنسیت معیار برتری است و نه ظاهر؛ بلکه ایمان و عمل صالح. روز زن، در حقیقت روز بازگشت به این معیار الهی است، روز یادآوری اینکه زن، نه نماد زیبایی جسم، بلکه تجلی عقل، عاطفه و ایمان است.

زن در نگاه الهی؛ مظهر رحمت و خرد

در آموزه‌های اسلامی، زن مظهر رحمت الهی و سرچشمه حیات معنوی جامعه است. قرآن در سوره نساء آیه ۱ یادآور می‌شود: «خَلَقْنَاكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ»؛ زن و مرد از یک گوهر آفریده شده‌اند. این آیه، برابری وجودی زن با مرد را در آفرینش اعلام می‌کند. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴ می‌فرماید: «النِّسَاءُ رِيَاحِينُ الْإِنْسَانِ»؛ زنان گل‌های خوشبوی انسانیت‌اند. گل، مظهر لطافت است اما در عین حال، درخت حیات نیز از او زاده می‌شود. این نگاه، زن را نه موجودی حاشیه‌ای، بلکه محور حیات اجتماعی و اخلاقی می‌داند.

فاطمه زهرا(س)؛ تجلی هویت حقیقی زن

روز زن در تقویم اسلامی، به نام حضرت فاطمه زهرا(س) مزین است؛ بانویی که در او عقل و عاطفه، علم و ایمان، حیا و شجاعت به کمال رسیده‌اند. در دوران جاهلیت، زن مایه شرم شمرده می‌شد و در جهان مدرن، مایه تبلیغ؛ اما در مکتب فاطمه، زن مایه رشد و هدایت است. او نشان داد که ارزش زن در انتخاب آگاهانه و مسئولیت الهی اوست، نه در ظاهر و ظواهر.

بحران زن مدرن؛ آزادی در قفس زرین

امروز، جهان غرب با تمام شعارهای آزادی زن، در



زن و امید اجتماعی؛ چگونه زنان می‌توانند جامعه را از ناامیدی نجات دهند؟

ایمان، در قلب زنان تداوم می‌یابد.

امید؛ سرمایه پنهان جامعه

هر جامعه‌ای، برای بقا و پیشرفت، به امید نیاز دارد؛ امید همان نیرویی است که انسان را در طوفان‌ها پابرجا نگه می‌دارد. قرآن کریم در سوره یوسف آیه ۸۷ می‌فرماید: «إِنَّهُ لَا يَيْئَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ»؛ جز کافران از رحمت خدا نومید نمی‌شوند. در این آیه، ناامیدی نوعی بی‌ایمانی معرفی شده است؛ زیرا انسان مؤمن باور دارد که تغییر ممکن است. در تاریخ اسلام، زنان مؤمن، به‌ویژه در لحظات بحران، نقش پررنگی در زنده نگه داشتن این ایمان جمعی داشته‌اند. از صبر حضرت زینب (س) در عاشورا تا تربیت‌گری حضرت زهرا (س)، امید همواره از دل زنان به جامعه جاری شده است.

نقش زنان در تربیت نسل امیدوار

هیچ سرمایه‌ای برای جامعه مهم‌تر از نسل امیدوار نیست، و تربیت این نسل، بیش از همه، بر دوش مادران و معلمان است. در خانواده، مادر نخستین آموزگار امید است. اوست که به کودک می‌آموزد چگونه در برابر شکست لبخند بزند. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۲، ص ۲۲۳) می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا الْحَقَّ بِالصَّبْرِ»؛ خدا رحمت کند بنده‌ای را که با صبر، حق را زنده نگه دارد. آین صبر، در دستان زن معنا می‌یابد. در میدان اجتماع نیز، زنانی که در عرصه‌های فرهنگی، علمی و اجتماعی فعال‌اند، با هر گام خویش، پیامی از امید و ایمان منتقل می‌کنند.

زن؛ کانون بازتولید امید

در روان‌شناسی اجتماعی، زنان را «عاملان پایداری عاطفی جامعه» می‌نامند. آنان در خانواده، نخستین منبع عشق، صبر و تشویق‌اند؛ و این ویژگی به عرصه اجتماعی نیز سرایت می‌کند. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۲۵۷ می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ رَيْحَانَةٌ»؛ زن گل خوشبوست. این تعبیر، نشان از لطافت روحی و اثر تسکین‌بخش او در جامعه دارد. در شرایط ناامیدی، زنان با زبان مهر و ایمان می‌توانند دل‌ها را آرام کنند و امید را بازسازی نمایند. جامعه‌ای که زنانش مؤمن، آگاه و فعال باشند، در برابر بحران‌ها مقاوم‌تر است، زیرا امید را در خانه‌ها می‌پروراند و به خیابان‌ها می‌آورد.

زنان رسانه‌ای؛ راویان امید در عصر بحران

در دوران رسانه‌های افسرده‌ساز، که اخبار منفی بر ذهن مردم سایه انداخته، نقش زنان در انتقال امید دوچندان است. آنان می‌توانند با روایت‌های واقعی از پیشرفت، از ایثار و از موفقیت، توازن عاطفی جامعه را حفظ کنند. قرآن در سوره نحل آیه ۱۲۵ توصیه می‌کند: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت کن. این دعوت، امروز در زبان رسانه‌ای زنان معنا می‌یابد؛ زبانی صبور، زیبا و سازنده که می‌تواند جایگزین موج ناامیدی شود.

منابع:

نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

ایمان زنانه در برابر یأس مدرن

دنیای امروز، با وجود پیشرفت‌های چشمگیر، گرفتار یأس پنهان است؛ یأسی که از بی‌معنایی و مصرف‌زدگی برمی‌خیزد. در چنین فضایی، زن اگر از هویت الهی خویش دور شود، خود نیز اسیر این ناامیدی می‌شود. قرآن در سوره شمس آیه ۹ می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛ رستگار کسی است که نفس خویش را پاک سازد. زن مؤمن، با تزکیه نفس و تربیت اخلاقی، منبع امید می‌گردد. او نه تنها خود از ناامیدی می‌گریزد، بلکه دیگران را نیز از سقوط در بی‌اعتمادی نجات می‌دهد. امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود نوشت: «زنان، مبدأ همه خیرات‌اند اگر در مسیر الهی حرکت کنند». امید اجتماعی از ایمان آغاز می‌شود و

زن مؤمن، با تزکیه نفس و تربیت اخلاقی، منبع امید می‌گردد. او نه تنها خود از ناامیدی می‌گریزد، بلکه دیگران را نیز از سقوط در بی‌اعتمادی نجات می‌دهد. امام خمینی (ره) در وصیت‌نامه خود نوشت: «زنان، مبدأ همه خیرات‌اند اگر در مسیر الهی حرکت کنند». امید اجتماعی از ایمان آغاز می‌شود و ایمان، در قلب زنان تداوم می‌یابد.



زن و مرد، دو یار در مسیر بندگی؛ نگاهی نو به توازن مسئولیت در خانواده

می‌شود. امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش می‌فرماید: «أُخِي قَلْبِكَ بِالْمَوْعِظَةِ؛ دلت را با پند زنده بدار. این سخن، راهنمایی است برای همه والدین که تربیت، تنها با گفتن ممکن نیست، بلکه باید با محبت و الگو بودن همراه شود. محبت، نه ضعف، که تجلی قدرت درونی است؛ و زن و مرد، با تقسیم محبت و مسئولیت، بنیان خانواده را از درون استوار می‌سازند.

خانواده مؤمن؛ الگوی جامعه سالم

خانواده‌ای که بر پایه ایمان و توازن شکل گیرد، نه تنها مامن افراد، بلکه الگوی جامعه است. امام خمینی (ره) می‌فرمود: «اصلاح جامعه از دامن زن آغاز می‌شود، و بقای آن با غیرت و تلاش مرد است.» در این معنا، هر دو جنس، دو ستون یک بنا هستند. در روان‌شناسی اجتماعی نیز ثابت شده است که خانواده‌های مشارکتی، شادتر، پایدارتر و مقاوم‌ترند. وقتی زن احساس کرامت و مرد احساس مسئولیت کند، تعادل عاطفی و معنوی برقرار می‌شود.

در مسیر بندگی خدا، زن و مرد دو یارند، نه دو رقیب. اسلام با نگاهی ظریف، توازن میان عقل و عاطفه، قدرت و لطافت را در ساختار خانواده به رسمیت شناخته است. جامعه‌ای که این توازن را پاس دارد، از فروپاشی اخلاقی در امان می‌ماند. همان‌گونه که قرآن در سوره توبه آیه ۷۱ می‌فرماید: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ؛ مردان و زنان مؤمن، یاور یکدیگرند.

منابع:

نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

در مسیر بندگی خدا، زن و مرد دو یارند، نه دو رقیب. اسلام با نگاهی ظریف، توازن میان عقل و عاطفه، قدرت و لطافت را در ساختار خانواده به رسمیت شناخته است. جامعه‌ای که این توازن را پاس دارد، از فروپاشی اخلاقی در امان می‌ماند

خانواده؛ میدان مشترک بندگی

در نگاه قرآن، خانواده تنها نهادی اجتماعی نیست، بلکه صحنه‌ای از بندگی مشترک انسان‌ها در برابر خداست. زن و مرد در این میدان، نه رقیب که رفیق‌اند؛ دو نیمه از یک حقیقت. قرآن کریم در سوره روم آیه ۲۱ می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ از نشانه‌های خدا آن است که از جنس خودتان برایتان همسرانی آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و میان شما محبت و رحمت نهاد. این آیه، فلسفه اصلی زندگی خانوادگی را «سکونت» و «محبت» می‌داند، نه سلطه یا رقابت. در چنین نگاهی، زن و مرد هر دو شریک در بندگی خداوند و مسئول در برابر آرامش یکدیگر.

توازن مسئولیت؛ عدالت در نقش‌ها

اسلام، برابری را با تشابه یکی نمی‌گیرد. زن و مرد، هر دو در ارزش انسانی برابرند، اما در نقش‌ها مکمل یکدیگرند. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴ می‌فرماید: «النَّسَاءُ رِيَّاحِينُ الْإِنْسَانِ؛ زنان گل‌های خوشبوی انسان‌اند. این تعبیر، نه برای محدود کردن، بلکه برای تأکید بر نقش احساسی، تربیتی و الهام‌بخش زن در خانواده است. مرد نیز مسئول امنیت، حمایت و پایداری است.

هم‌مسئولیتی در تربیت نسل

یکی از جلوه‌های بندگی مشترک زن و مرد، تربیت نسل مؤمن و آگاه است. در خانواده اسلامی، تربیت، وظیفه‌ای دوطرفه است؛ پدر آموزگار عقل و نظم، و مادر مظهر عشق و ایمان. قرآن در سوره تحریم آیه ۶ می‌فرماید: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا؛ خود و خانواده‌تان را از آتش حفظ کنید. این آیه، مسئولیت دینی و اخلاقی هر دو را در تربیت فرزندان یادآور می‌شود.

محبت، زبان مشترک بندگی

در نظام اخلاقی اسلام، محبت، جوهر همه روابط انسانی است. خانواده‌ای که در آن عشق الهی جاری باشد، به مدرسه بندگی تبدیل



دو مسیر متفاوت برای رهایی زن

زن در نگاه فاطمی، نه ابزار قدرت، بلکه محور انسان‌سازی است. آزادی در فاطمیسم، یعنی رهایی از وابستگی به خواست دیگران و بازگشت به خواست خدا.

زن فاطمی؛ عقلانیت، ایمان و کرامت

زن در مکتب فاطمی، نه در رقابت با مرد، بلکه در تکامل او معنا می‌یابد. در نگاه امام علی (ع)، زن و مرد دو نیمه از حقیقت واحد انسان‌اند: «النَّسَاءُ رِیَاحِیْنُ الْإِنْسَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴). زن فاطمی، عالم است اما متواضع، فعال است اما نجیب، و آزاد است اما در چارچوب اخلاق. او نه در پی کسب قدرت بر مرد، بلکه در پی کسب قدرت بر نفس است. این نگاه، با روان‌شناسی امروز نیز همخوان است: زنانی که هدف زندگی‌شان معنا و خدمت است، از اضطراب و ناامیدی اجتماعی در امان‌ترند. فاطمیسم، به زن می‌آموزد که کرامت را نه از بیرون، بلکه از درون بجوید.

تمدن زنانه؛ از فاطمیسم تا جامعه الهی

جامعه‌ای که زنانش به مکتب فاطمی بازگردند، جامعه‌ای متعادل خواهد بود. امام خمینی (ره) می‌فرمود: «زن، مبدأ همه تحولات بشر است.» اگر فمینیسیم، زن را به میدان رقابت بی‌پایان کشانده است، فاطمیسم او را به رسالت آفرینندگی و هدایت بازمی‌گرداند. در جامعه فاطمی، زن و مرد هر دو در مسیر بندگی خدا، یاران یکدیگرند؛ زن با محبت، تربیت و آگاهی، روح جامعه را می‌سازد.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

زن در مکتب فاطمی، نه در رقابت با مرد، بلکه در تکامل او معنا می‌یابد. در نگاه امام علی (ع)، زن و مرد دو نیمه از حقیقت واحد انسان‌اند: «النَّسَاءُ رِیَاحِیْنُ الْإِنْسَانِ» (نهج البلاغه، حکمت ۲۳۴). زن فاطمی، عالم است اما متواضع، فعال است اما نجیب، و آزاد است اما در چارچوب اخلاق

رهایی زن؛ آرمان مشترک، مسیر متفاوت

قرن‌هاست که مسأله «آزادی و رهایی زن» به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های جوامع بشری تبدیل شده است. فمینیسیم، به عنوان جنبشی اجتماعی، در واکنش به تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها شکل گرفت و خواستار برابری زن و مرد شد. اما پرسش بنیادین این است: آیا فمینیسیم توانسته زن را از بند اسارت رها کند، یا او را از هویت انسانی‌اش دور ساخته است؟ قرآن کریم در سوره نساء آیه ۱ می‌فرماید: «خَلَقْکُمْ مِّنْ نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ خداوند همه شما را از یک نفس آفرید. این آیه، اساس برابری انسانی را پیش از هر مکتب مدرن بیان کرده است. در حالی که فمینیسیم به برابری ظاهری دل بسته، فاطمیسم بر برابری معنوی و کرامت الهی زن تأکید دارد.

فمینیسیم؛ از عدالت خواهی تا از خودبیگانگی

جنبش فمینستی در آغاز، علیه ساختارهای مردسالارانه و نابرابری‌های اقتصادی و سیاسی غرب شکل گرفت، اما در سیر تاریخی خود، به تدریج به دام ایدئولوژی‌های مادی افتاد. زن در گفتمان فمینستی مدرن، از مادر و مربی به رقیب مرد تبدیل شد. او در تلاش برای «شبییه شدن» به مرد، از ویژگی‌های ذاتی خود - عاطفه، لطافت، و معنویت - فاصله گرفت. قرآن در سوره زخرف آیه ۱۸ به این انحراف لطیف اشاره دارد: «أَوَمَنْ يُنَشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ؛ آیا کسی که در زینت رشد یافته و در استدلال ناتوان است، می‌تواند معیار ارزش باشد؟ این هشدار، علیه فرهنگ ظاهرگرایی است که امروز زن را در معیارهای اقتصادی و جسمانی تعریف می‌کند. فمینیسیم، در پی برابری حقوق، گاه ناخواسته به حذف تفاوت‌ها و تحقیر نقش مادری انجامیده است.

فاطمیسم؛ رهایی در بندگی

در برابر فمینیسیم، فاطمیسم نه جنبشی سیاسی، بلکه مکتبی الهی است. فاطمیسم یعنی بازگشت زن به خویشتن خویش؛ انسانی که کرامتش در بندگی خدا و درک معنای زندگی است. حضرت فاطمه زهرا (س) نمونه کامل زن آزاد است؛ زنی که در خانه، تربیت‌گر انسان‌هایی چون حسن و حسین (ع) است، و در جامعه، مدافع ولایت و عدالت. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۱، ص ۴۶۱) می‌فرماید: «فَاطِمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ؛ فاطمه، حجت خدا بر آفریدگان است.



حضور زن در عرصه علم، فرهنگ و سیاست با الهام از سیره حضرت زهرا(س)

زن؛ ستون معرفت و کرامت

در منطق قرآن، علم و آگاهی مرز جنسیت نمی‌شناسد. زن و مرد، هر دو به «تعلم»، «تعقل» و «تدبیر» فراخوانده شده‌اند. قرآن کریم در سوره زمر آیه ۹ می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؟ آيا آنان که می‌دانند و آنان که نمی‌دانند، برابرند؟ این آیه، زن و مرد را در عرصه دانایی برابر می‌بیند و هر دو را به تعالی عقلانی دعوت می‌کند. در نگاه اسلامی، علم زینت انسان است، نه جنس. حضرت زهرا(س) نمونه والای همین حقیقت است؛ بانویی که علم، عبادت و مسئولیت اجتماعی را در یک وجود جمع کرده بود. او نشان داد که زن، می‌تواند در عین حیا و ایمان، محور آگاهی و تحول در جامعه باشد.

حضرت زهرا(س): الگوی زن آگاه و بصیر

حضرت فاطمه زهرا(س) نه تنها بانویی عابد و مهربان، بلکه زنی اندیشمند و تحلیل‌گر بود. خطبه فدکیه او در مسجد مدینه، یکی از برجسته‌ترین متون سیاسی - معرفتی در تاریخ اسلام است؛ بیانیه‌ای از عدالت، آگاهی و شجاعت. در آن خطبه، فاطمه(س) از حق مردم، از فلسفه حکومت و از جایگاه انسان سخن گفت. امام صادق(ع) در اصول کافی (ج ۱، ص ۴۶۱) می‌فرماید: «فاطمَةُ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَي خَلْقِهِ»؛ فاطمه، حجت خدا بر آفریدگان است. این سخن، نشان می‌دهد که علم و بصیرت او نه در حاشیه، بلکه در متن هدایت امت قرار داشت. زن در نگاه فاطمی، مخاطب مسئول تاریخ است؛ او می‌داند، می‌اندیشد و موضع دارد.

زن و حضور فرهنگی؛ تربیت‌گر اندیشه و اخلاق

فرهنگ، میدان اصلی تأثیر زن است. حضرت زهرا(س) در خانه‌ای می‌زیست که مرکز علم و تربیت بود. او در کنار تربیت فرزندان خویش، شاگردان بسیاری را در حوزه اخلاق و معرفت تربیت کرد. در سخنی فرمود: «مَنْ أَصْعَدَ إِلَيَّ اللَّهُ خَالِصَ عَمَلِهِ، أَهْبَطَ اللَّهُ إِلَيْهِ أَفْضَلَ مَصْلِحَتِهِ» (بحار الأنوار، ج ۷۰، ص ۲۵۱)؛ هر که عملش را خالصانه به سوی خدا بالا برد، خدا نیز بهترین خیر را به او باز می‌گرداند. این بینش، اساس فرهنگ اسلامی است: علم و عمل، هنگامی مؤثرند که با نیت الهی همراه باشند.

حضور سیاسی؛ مسئولیت الهی، نه رقابت اجتماعی

حضرت زهرا(س) نخستین زنی است که پس از رحلت پیامبر(ص)، به دفاع سیاسی از ولایت پرداخت. سخنان و اعتراض‌های او، نمونه‌ای از مشارکت آگاهانه در تعیین سرنوشت امت بود. اما تفاوت او با جنبش‌های معاصر در «نیت» است؛ او به دنبال قدرت نبود، بلکه در پی حفظ حق و عدالت بود. قرآن در سوره احزاب آیه ۳۵ می‌فرماید: «إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ ... أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً

وَأَجْرًا عَظِيمًا»؛ مردان و زنان مسلمان، هر دو در انجام وظیفه الهی برابرند. این آیه، مشروعیت مشارکت زن را در عرصه‌های اجتماعی و سیاسی تأیید می‌کند، به شرط آن که هدف، اقامه حق باشد.

زن دانش‌پژوه و مؤمن؛ وارث راه فاطمی

زن فاطمی، نه در گوشه انزوا، بلکه در میدان علم و فرهنگ می‌درخشد. او از علم، برای رشد معنوی خود و جامعه استفاده می‌کند. در دوران معاصر، زنان دانشمند، پژوهشگر و فرهنگی که با روح ایمان فعالیت می‌کنند، ادامه‌دهندگان همان راه‌اند. سیره حضرت زهرا(س) به ما می‌آموزد که علم و تعهد، در کنار هم معنا دارند. جامعه‌ای که زن را از دانش و نقش‌آفرینی باز دارد، از نیمی از توان خود محروم می‌شود؛ و جامعه‌ای که زن را ابزار قدرت بداند، از حقیقت کرامت انسانی دور می‌افتد.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

زن فاطمی، نه در گوشه انزوا، بلکه در میدان علم و فرهنگ می‌درخشد. او از علم، برای رشد معنوی خود و جامعه استفاده می‌کند. در دوران معاصر، زنان دانشمند، پژوهشگر و فرهنگی که با روح ایمان فعالیت می‌کنند، ادامه‌دهندگان همان راه‌اند



زن و رسانه‌های اجتماعی؛ مسئولیت روایت درست از زن مسلمان

سیره حضرت زهرا(س) الگویی است برای حضور هدفمند در عرصه رسانه‌ای. او در مسجد مدینه، سخن گفت تا حقیقت را از تحریف نجات دهد، نه برای اثبات خویش بلکه برای احیای عدالت. امروز، زنان مسلمان نیز می‌توانند با قلم، تصویر و حضور خود در رسانه‌ها، چهره اصیل زن مؤمن را روایت کنند. فاطمیسم، یعنی روایت زن آزاد، آگاه و باکرامت در برابر تصویری که رسانه‌های غربی از زن ارائه می‌دهند. این روایت، نه واکنشی، بلکه سازنده است؛ روایتی که بر ایمان، عقلانیت و احساس مسئولیت اجتماعی استوار است.

اخلاق رسانه‌ای؛ حد میان حضور و حیا

در فرهنگ اسلامی، حضور زن در اجتماع و رسانه، اگر بر پایه اخلاق و حیا باشد، نه تنها ناپسند نیست بلکه واجب فرهنگی است. زن مسلمان می‌تواند در رسانه‌های اجتماعی تأثیرگذار باشد، بی‌آن‌که از وقار و حیا فاصله بگیرد. انتشار دانش، روایت‌های امیدبخش، و تولید محتوای اخلاقی، همان جهاد تبیین زن مؤمن در عصر دیجیتال است.

رسانه‌های اجتماعی، هم تهدیدند و هم فرصت. تهدید، اگر زن مسلمان منفعل باشد و فرصت، اگر او راوی حقیقت خویش گردد. زن در نگاه اسلامی، نه تصویری برای تماشا، بلکه پیامی برای تفسیر است.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

زنان مسلمان نیز می‌توانند با قلم، تصویر و حضور خود در رسانه‌ها، چهره اصیل زن مؤمن را روایت کنند. فاطمیسم، یعنی روایت زن آزاد، آگاه و باکرامت در برابر تصویری که رسانه‌های غربی از زن ارائه می‌دهند. این روایت، نه واکنشی، بلکه سازنده است؛ روایتی که بر ایمان، عقلانیت و احساس مسئولیت اجتماعی استوار است.

چهره زن در آینه رسانه

در جهان امروز، رسانه‌های اجتماعی تبدیل به بزرگ‌ترین منبع شکل‌دهی به ذهن و هویت شده‌اند. تصویر زن در این فضا، دیگر تنها بازتابی از واقعیت نیست، بلکه ساخته و پرداخته روایت‌هایی است که گاه فاصله زیادی با حقیقت دارند. قرآن کریم در سوره نور آیه ۱۹ هشدار می‌دهد: «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ فِي الَّذِينَ آمَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ»؛ آنان که دوست دارند زشتی‌ها در میان مؤمنان شایع شود، عذابی دردناک دارند. در فضای رسانه‌ای امروز، تحریف جای حقیقت را گرفته و ارزش‌ها با زرق و برق ظاهر جا‌جا شده‌اند. در چنین شرایطی، زن مسلمان نه تنها مخاطب، بلکه مسئول است؛ مسئول روایت درست از خودش، از ایمانش و از جامعه‌اش.

رسانه؛ میدان نبرد هویت‌ها

رسانه دیگر تنها ابزار اطلاع‌رسانی نیست، بلکه میدان نبرد فرهنگی است. دشمنان اسلام می‌دانند که برای تغییر یک ملت، باید تصویر زنان آن ملت را تغییر دهند. امام خمینی(ره) فرمود: «اگر زنان کشور اصلاح شوند، جامعه اصلاح می‌شود.» این سخن، امروز معنایی رسانه‌ای یافته است. تحریف هویت زن مسلمان در شبکه‌های اجتماعی، با نشان دادن تصویری محدود از او به عنوان موجودی منفعل یا محبوس، در واقع تلاشی برای تضعیف ایمان و اراده جامعه است.

مسئولیت زن مسلمان در روایتگری

زن مسلمان امروز، وارث مکتبی است که در آن فاطمه زهرا(س) با سخن، زینب کبری(س) با روشنگری، و سمیه با ایثار، پیام حق را به جهان رساندند. امام صادق(ع) در اصول کافی (ج ۲، ص ۲۲۲) می‌فرماید: «كُونُوا دُعَاةً لِلنَّاسِ بِغَيْرِ اَلْسِنَتِكُمْ»؛ مردم را با رفتار خود به سوی حق دعوت کنید، نه تنها با زبان. حضور زن در رسانه‌های اجتماعی نیز باید بر همین اصل استوار باشد: دعوت به حقیقت از مسیر زیبایی رفتار، گفتار و محتوا. اگر فضای مجازی میدان رقابت برای دیده شدن است، زن مسلمان باید آن را به میدان دیده شدن ایمان، دانش و کرامت تبدیل کند.

روایت فاطمی در عصر دیجیتال



ام‌البنین (س) و بازخوانی مفهوم «وفاداری فرهنگی» در جامعه امروز

است که وفاداری، نه احساس موقتی بلکه تصمیمی آگاهانه است. وفاداری فرهنگی در دوران ما یعنی پایداری بر ارزش‌های اصیل، در میان طوفان تغییرات. یعنی حفظ ایمان در دنیای رسانه‌ای که هر روز معناها را وارونه می‌سازد.

زن امروز؛ حامل فرهنگ وفاداری

ام‌البنین (س) الگوی زنی است که وفاداری را از خانه تا تاریخ گسترش داد. زن امروز، در نقش مادر، معلم، رسانه‌گر یا مدیر، می‌تواند همان نقش را ایفا کند. وفاداری فرهنگی در عصر جدید یعنی تربیت نسلی که ارزش‌ها را بشناسد و به آن‌ها پایبند بماند. همان‌گونه که حضرت ام‌البنین (س) پس از واقعه کربلا، بدون شعار و ادعا، پیام عاشورا را نسل‌به‌نسل منتقل کرد. در روان‌شناسی اجتماعی، وفاداری یکی از ارکان هویت جمعی است؛ هرگاه نسل جدید از گذشته خویش گسسته شود، احساس بی‌ریشگی و پوچی بر او غلبه می‌کند. الگوی ام‌البنین (س) می‌تواند پلی باشد میان ایمان سنتی و مسئولیت فرهنگی معاصر. وفاداری، روح زنده هر فرهنگ است؛ و ام‌البنین (س)، نماد زنی است که این روح را در تاریخ دمید. او به ما آموخت که وفاداری، تنها در جنگ و خون نیست، بلکه در پایداری بر حقیقت، در تربیت نسل مؤمن، و در روایت درست از فرهنگ نهفته است.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

وفاداری، روح زنده هر فرهنگ است؛ وام‌البنین (س)، نماد زنی است که این روح را در تاریخ دمید. او به ما آموخت که وفاداری، تنها در جنگ و خون نیست، بلکه در پایداری بر حقیقت، در تربیت نسل مؤمن، و در روایت درست از فرهنگ نهفته است.

وفاداری؛ پیوندی میان ایمان و هویت

در جهان معاصر، که وفاداری به اصول، سنت‌ها و ارزش‌های اخلاقی رو به افول گذاشته، بازخوانی مفهوم «وفاداری» ضرورتی فرهنگی است. قرآن کریم در سوره مائده آیه ۱ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ»؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به پیمان‌های خود وفا کنید. وفاداری، تنها یک رفتار شخصی نیست، بلکه ستون اعتماد اجتماعی و هویت فرهنگی هر ملت است. در تاریخ اسلام، حضرت ام‌البنین (س) نمونه‌ای درخشان از وفاداری چندوجهی است؛ وفاداری به ایمان، به خانواده، به ولایت و به فرهنگ اهل‌بیت (ع). او زنی بود که در سکوت، تاریخ را با رفتار خود معنا کرد.

ام‌البنین (س)؛ وفاداری در اوج معرفت

حضرت ام‌البنین (س) تنها همسر امیرالمؤمنین (ع) و مادر چهار شهید نبود، بلکه بانویی آگاه و مؤمن بود که با معرفت خویش، به الگویی جاودان از وفاداری تبدیل شد. هنگامی که خبر شهادت فرزندان در کربلا به او رسید، نخستین پرسش او این بود: «از حسین چه خبر؟» و چون شنید که امام حسین (ع) شهید شده است، گفت: «همه فرزندانم و هر آنچه دارم فدای حسین باد.» این جمله، عصاره وفاداری فکری و ایمانی است؛ یعنی ترجیح دادن حقیقت بر عاطفه، ایمان بر احساس، و ولایت بر خانواده. وفاداری فرهنگی؛ پاسداری از ارزش‌ها در قالب رفتار وفاداری در فرهنگ اسلامی تنها حفظ خاطره نیست، بلکه عمل به عهد ارزش‌هاست. ام‌البنین (س) پس از عاشورا، با برپایی مجالس یاد امام حسین (ع)، نه تنها عزادار فرزندان، بلکه راوی فرهنگ مقاومت شد. او نخستین زن تاریخ بود که سوگواری برای سیدالشهدا (ع) را به یک جریان فرهنگی تبدیل کرد..

جامعه امروز و بحران وفاداری

در جامعه امروز، وفاداری گاه قربانی سرعت، منفعت و ظاهرگرایی شده است. روابط انسانی کوتاه‌تر و تعهدات اخلاقی شکننده‌تر گشته‌اند. اما الگوی ام‌البنین (س) یادآور این حقیقت

حیات طیبه در نگاه امام خمینی؛ ایمان، آگاهی و عمل



همین اصل، انقلاب اسلامی را «قیام برای خدا» می‌نامید؛ حرکتی که از ایمان برخاست، با آگاهی هدایت شد، و در عمل به نظام اسلامی تحقق یافت.

پیوند اخلاق و سیاست در حیات طیبه

در عرفان امام خمینی، حیات طیبه نه فقط زندگی فردی، بلکه شیوه‌ای از اداره جامعه است. سیاست در این نگاه، ابزاری برای رساندن انسان به کمال اخلاقی است. امام علی (ع) حیات طیبه در اندیشه امام خمینی (ره)، طرحی جامع برای زندگی فردی و اجتماعی انسان است. این حیات، نه رؤیایی عرفانی، بلکه الگویی واقعی برای زیستن مؤمنانه در جهان معاصر است؛ زندگی‌ای آمیخته با ایمان، آگاهی و عمل صالح. جامعه‌ای که این سه را با هم پیوند دهد، از پوچی مدرن و بی‌معنایی‌ها می‌شود.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

حیات طیبه در اندیشه امام خمینی (ره)، طرحی جامع برای زندگی فردی و اجتماعی انسان است. این حیات، نه رؤیایی عرفانی، بلکه الگویی واقعی برای زیستن مؤمنانه در جهان معاصر است؛ زندگی‌ای آمیخته با ایمان، آگاهی و عمل صالح.

معنای حیات طیبه؛ زندگی در پرتو ایمان

در ادبیات قرآن، زندگی حقیقی نه در زیستن جسمانی، بلکه در بیداری روح و حضور الهی معنا می‌یابد. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۹۷ می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً»؛ هر کس ایمان آورد و عمل صالح انجام دهد، او را به حیات پاکیزه زنده می‌داریم. امام خمینی (ره) این آیه را منشور زندگی اسلامی می‌داند. از نگاه او، «حیات طیبه» همان زندگی متعهدانه‌ای است که در آن ایمان، علم و عمل در خدمت خدا و انسان قرار می‌گیرد. او معتقد بود که جامعه اسلامی تنها زمانی زنده است که ایمان در قلب‌ها و مسئولیت در رفتارها جریان یابد.

ایمان؛ جوهر زندگی انسان مؤمن

در مکتب امام خمینی، ایمان فقط اعتقاد قلبی نیست، بلکه نیرویی است که به رفتار معنا می‌دهد. او در درس‌های اخلاق خود می‌فرمود: «ایمان، آغاز حرکت انسان به سوی خداست و بی‌ایمانی، مرگ روح در قید تن». ایمان، در نگاه او، نه انزوا از دنیا بلکه حضور معنوی در متن زندگی است. امام علی (ع) در نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳ می‌فرماید: «الْإِيمَانُ عَلَىٰ أَرْبَعِ دَعَائِمٍ: عَلَى الصَّبْرِ وَالْيَقِينِ وَالْعَدْلِ وَالْجِهَادِ»؛ ایمان بر چهار پایه است: صبر، یقین، عدالت و جهاد. امام خمینی نیز حیات طیبه را بر همین ارکان بنا می‌کرد؛ ایمانی که در سختی پایدار است، در عمل عادل، و در جامعه مجاهد.

آگاهی؛ بیداری عقل در پرتو وحی

از دیدگاه امام، جامعه مؤمن بدون آگاهی، در معرض انحراف است. او هشدار می‌داد: «دینداری بدون فهم، به خرافه می‌انجامد و دانایی بدون ایمان، به طغیان». قرآن در سوره زمر آیه ۹ می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»؛ آیا دانایان و نادانان برابرند؟ این آیه، پیوند ایمان و آگاهی را نشان می‌دهد. امام خمینی، علم را نوری می‌داند که اگر در خدمت ایمان قرار گیرد، جامعه را به سوی عدالت هدایت می‌کند. از دیدگاه او، «جهل، منشأ استبداد و علم، مقدمه آزادی است». بدین‌سان، آگاهی در مکتب امام، نه فقط دانش تخصصی، بلکه بصیرتی است که انسان را از فریب رسانه‌ها، سیاست و نفس خویش رها می‌سازد.

عمل؛ تحقق ایمان و آگاهی در میدان

ایمان و علم اگر به عمل نیانجامد، درونی بی‌ثمر است. امام خمینی (ره) می‌گفت: «اسلام دین حرف نیست، دین عمل است». در نگاه او، حیات طیبه زمانی تحقق می‌یابد که ایمان در دل، آگاهی در اندیشه، و عمل در رفتار جامعه ظهور کند. قرآن در سوره توبه آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ»؛ بگو عمل کنید که خداوند عمل شما را خواهد دید. این آیه، روح حیات طیبه را در کنش اجتماعی می‌بیند. امام با تأسی به



ولایت فقیه؛ پاسخ امام به بحران اخلاق در سیاست مدرن

او تأکید می‌کرد که «ولی فقیه باید از همه بیشتر بترسد، زیرا مسئول‌ترین فرد در برابر خداست.» چنین دیدگاهی، قدرت را نه حق، بلکه مسئولیتی اخلاقی می‌داند.

حکومت دینی و تربیت اخلاقی جامعه

در نظام ولایت فقیه، هدف حکومت تنها اداره کشور نیست، بلکه هدایت اخلاقی جامعه است. امام خمینی (ره) در سخنرانی‌های خود بارها می‌فرمود: «هدف از حکومت، تربیت انسان است؛ نه صرف آبادانی زمین.» این اندیشه برگرفته از رسالت انبیا است که قرآن در سوره جمعه آیه ۲ می‌فرماید: «يُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ»؛ پیامبر مأمور است تا مردم را تزکیه و تعلیم دهد. در این منطق، سیاست مقدمه اخلاق است و ولایت فقیه، سازوکار تحقق اخلاق اجتماعی. جامعه‌ای که در آن رهبران، عالمان باتقوا باشند، مردم نیز در مسیر خیر و عدالت تربیت می‌شوند. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی نیز، الگو بودن حاکمان در رفتار، قوی‌ترین عامل شکل‌گیری وجدان جمعی است.

ولایت فقیه؛ الگوی حکومت مسئول

سیاست مدرن بر اساس منافع طراحی شده است، اما ولایت فقیه بر مبنای تکلیف. امام خمینی در دوران رهبری خویش نشان داد که حتی تصمیمات سیاسی نیز باید ریشه در ارزش‌های دینی داشته باشد. او می‌گفت: «ما برای خدا قیام کرده‌ایم؛ نه برای قدرت، نه برای دنیا.» چنین الگویی، نوعی مردم‌سالاری الهی پدید آورد که در آن مشروعیت از ایمان و رضایت مردم سرچشمه می‌گیرد.

منابع:

۱. نهج‌البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

در نگاه امام خمینی، فقیه حاکم، صرفاً مدیر سیاسی نیست، بلکه عالم عادل و پاسدار ارزش‌های الهی است. او باید بیش از همه، مراقب نفس خویش باشد تا قدرت را به ابزار خودخواهی بدل نکند

بحران اخلاق در سیاست مدرن

سیاست مدرن در ظاهر برای نظم و رفاه انسان طراحی شده است، اما در عمل به جدایی دین از اخلاق و قدرت از عدالت انجامیده است. در این نظام، هدف، توجیه‌گر وسیله است و سیاست‌مدار، به جای بندگی خدا، بنده منافع و قدرت می‌شود. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۲۰۵ درباره چنین انسان‌هایی می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ»؛ چون به قدرت رسد، در زمین فساد می‌کند و نسل و کشت را تباه می‌سازد. امام خمینی (ره) در برابر این انحطاط اخلاقی، نظریه ولایت فقیه را نه صرفاً به عنوان یک نظام حکومتی، بلکه به مثابه پاسخی اخلاقی و عرفانی به بحران سیاست مدرن مطرح کرد.

پیوند دین و سیاست در اندیشه امام

امام خمینی (ره) سیاست را از ذات دین جدا نمی‌دانست، بلکه آن را بخشی از رسالت انبیا می‌دانست. او در کتاب «ولایت فقیه» می‌نویسد: «اسلام دینی سیاسی است و فقه آن، بیانگر نظام اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان است.» از دیدگاه امام، جدایی دین از سیاست، بزرگ‌ترین فریب مدرنیته بود که اخلاق را از قدرت ریشه‌کن ساخت. در حالی که در اندیشه اسلامی، سیاست عرصه اجرای عدالت الهی است. قرآن در سوره حدید آیه ۲۵ هدف بعثت انبیا را چنین بیان می‌کند: «لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»؛ تا مردم به عدالت قیام کنند. امام خمینی این آیه را اساس سیاست اخلاقی می‌داند و ولایت فقیه را نظامی برای تحقق همین عدالت در عصر غیبت معرفی کرد.

ولایت فقیه؛ اخلاق در قدرت

در نگاه امام خمینی، فقیه حاکم، صرفاً مدیر سیاسی نیست، بلکه عالم عادل و پاسدار ارزش‌های الهی است. او باید بیش از همه، مراقب نفس خویش باشد تا قدرت را به ابزار خودخواهی بدل نکند. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، خطبه ۲۱۶ هشدار می‌دهد: «إِنَّ أَوْفَ مَا أَتَخَوَّفُ عَلَيْكُمْ اثْتَنَانِ: ابْتِغَاءُ الْهَوَىٰ وَطَوْلُ الْأَمَلِ»؛ بیشترین ترس من از دو چیز است: پیروی از هوا و آرزوی دراز. امام خمینی با الهام از همین کلام، ولایت فقیه را نهاد تعادل میان قدرت و تقوا دانست.



استقلال سیاسی و اقتصادی در اندیشه امام؛ راه نجات ملت‌ها

استقلال؛ معنای حقیقی آزادی

در نگاه امام خمینی (ره)، آزادی بدون استقلال، سرابی بیش نیست. او بارها هشدار می‌داد که «تا وقتی وابسته‌ایم، نه دینمان محفوظ است، نه دنیایمان». قرآن کریم در سوره نحل آیه ۷۵ می‌فرماید: «ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ؛ خداوند مثالی زده است از بنده‌ای که مالک هیچ چیز نیست. جامعه‌ای که وابسته به قدرت‌های بیگانه است، همان بنده‌ای است که اراده ندارد. امام، استقلال را نه شعاری سیاسی بلکه حقیقتی ایمانی می‌دانست.

سیاست استقلال‌محور؛ نفی سلطه شرق و غرب

امام خمینی (ره) در دوران سلطه دو بلوک شرق و غرب، با شعار تاریخی «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» مسیر تازه‌ای در سیاست جهانی گشود. این شعار، جوهره استقلال سیاسی در نگاه او بود. قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۴۹ هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يُرَدُّوكُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؛ اگر از کافران پیروی کنید، شما را به گذشته بازمی‌گرداندند. امام، تبعیت از قدرت‌های بیگانه را نوعی بازگشت به اسارت می‌دانست. از نظر او، سیاست اسلامی زمانی معنا دارد که بر پایه عزت و کرامت انسانی استوار باشد. او تأکید می‌کرد که حکومت اسلامی باید صدای مستقل ملت‌ها در برابر نظام سلطه باشد، نه دنباله‌رو آن‌ها.

اقتصاد مقاوم؛ زیربنای استقلال واقعی

استقلال سیاسی بدون استقلال اقتصادی، در نگاه امام، پایدار نمی‌ماند. او می‌فرمود: «وابستگی اقتصادی، بزرگ‌ترین ابزار استعمار است». از دیدگاه قرآن نیز، خودکفایی و قناعت از ارزش‌های بزرگ اخلاقی است. در سوره نساء آیه ۲۹ آمده است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ؛ اموال خود را به باطل از میان نبرید. این آیه، بنیان عدالت اقتصادی را در استقلال از نظام‌های استعماری می‌گذارد. امام خمینی با الهام از این اصل، مردم را به تولید ملی، مصرف عاقلانه و پرهیز از تجمل دعوت می‌کرد. او اقتصاد اسلامی را اقتصادی مردمی و عدالت‌محور می‌دانست که در آن، ثروت در خدمت انسان است، نه انسان در خدمت ثروت.

خودباوری ملت‌ها؛ کلید استقلال پایدار

در اندیشه امام، استقلال نه با سلاح، بلکه با خودباوری آغاز می‌شود. او بارها می‌فرمود: «ما می‌توانیم» و این جمله را به شعار تاریخی یک ملت بدل کرد. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۱۳۳ می‌فرماید: «مَنْ قَدَرَ عَلَىٰ نَفْسِهِ عَزَّ؛ هر که بر خود مسلط شود، عزیز می‌گردد. این اصل، روح استقلال درونی را بیان می‌کند. ملت‌ها اگر بر ترس، تبلی و خودکم‌بینی غلبه کنند، از هر سلطه‌ای رها می‌شوند.

استقلال و عدالت؛ دو رکن تمدن اسلامی

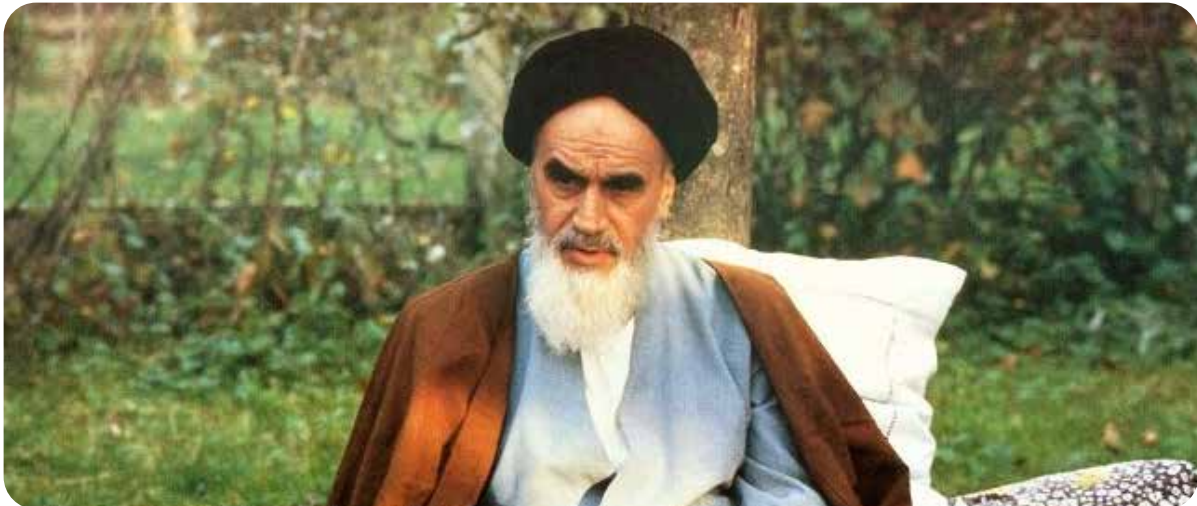
امام خمینی استقلال را نه هدف نهایی، بلکه مقدمه‌ای برای تحقق

عدالت و معنویت می‌دانست. او می‌گفت: «ما استقلال می‌خواهیم تا بندگی خدا کنیم، نه بندگی طاغوت». قرآن در سوره ابراهیم آیه ۱۱ آمده است: «وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَرْجِعَ عَنِ الْحَقِّ بَعْدَ إِذْ نَجَّانَا اللَّهُ مِنْهَا؛ سزاوار نیست پس از آنکه خدا ما را از طاغوت رهانید، به باطل بازگردیم. در این نگاه، استقلال حقیقی تنها زمانی معنا دارد که ملت، آزاد از استکبار، در مسیر ارزش‌های الهی گام بردارد. امام، اقتصاد و سیاست را دو بال تمدن اسلامی می‌دانست که اگر بر ایمان و اخلاق بنا شود، ملت را به سعادت می‌رساند. استقلال سیاسی و اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره)، نه شعاری سیاسی بلکه راهی برای نجات ملت‌ها از اسارت مدرن است. او با اتکا به قرآن و سیره اهل بیت (ع)، نشان داد که آزادی حقیقی زمانی حاصل می‌شود که ایمان، خودباوری و عدالت در جامعه جاری گردد.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. ولایت فقیه، امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

استقلال سیاسی و اقتصادی در اندیشه امام خمینی (ره)، نه شعاری سیاسی بلکه راهی برای نجات ملت‌ها از اسارت مدرن است. او با اتکا به قرآن و سیره اهل بیت (ع)، نشان داد که آزادی حقیقی زمانی حاصل می‌شود که ایمان، خودباوری و عدالت در جامعه جاری گردد.



بازخوانی سخنان امام درباره خطر تحریف انقلاب و نقش رسانه‌ها

رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ؛ مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خدا دعوت کن. رسانه در منطق امام، ابزار هدایت است، نه سرگرمی یا تبلیغ صرف. خبرنگار و نویسنده در این نظام، مجاهدان جبهه آگاهی‌اند؛ آنان که با روشنگری و تحلیل صادقانه، مانع تحریف حقایق می‌شوند.

مسئولیت نخبگان و نسل جوان

امام خمینی بارها خطاب به دانشگاهیان و جوانان فرمود: «اگر شما نگذارید انقلاب از مسیر خود منحرف شود، دشمن هیچ کاری نمی‌تواند بکند.» او نسل جوان را «وارثان انقلاب» و «حافظان حقیقت» می‌دانست. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، جامعه‌های که حافظه تاریخی خود را حفظ کند، دچار تکرار خطاهای گذشته نمی‌شود. رسانه‌های مؤمن و آگاه، با روایت درست تاریخ، مانع از تحریف ارزش‌ها می‌شوند و روح مقاومت را در نسل‌ها زنده نگه می‌دارند.

تحریف در عصر رسانه‌های نو

امروز تحریف، دیگر در کتاب‌ها یا سخنرانی‌های دشمن خلاصه نمی‌شود؛ در فضای مجازی، هر خبر، تصویر و روایت می‌تواند ذهن‌ها را دگرگون کند. امام خمینی، هرچند در عصر شبکه‌های اجتماعی نمی‌زیست، اما با بصیرت الهی هشدار داده بود: «خطر انحراف از درون، از دشمن بیرونی بیشتر است.»

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. صحیفه امام خمینی (ره)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

حقیقت انقلاب و تهدید تحریف

هر انقلابی، پس از پیروزی، در معرض دو خطر قرار دارد: انحراف در مسیر و تحریف در معنا. امام خمینی (ره) بارها هشدار داد که «بزرگ‌ترین خطر برای انقلاب، تحریف خط امام و انحراف از اهداف اولیه آن است.» او می‌دانست که دشمنان، وقتی در میدان جنگ شکست می‌خورند، در میدان روایت وارد می‌شوند. قرآن کریم در سوره بقره آیه ۴۲ می‌فرماید: «وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ؛ حق را با باطل درنیامیزد و حقیقت را پنهان نکنید. این آیه، توصیف دقیقی استراتژی دشمنان حق در همه دوران‌هاست. امام خمینی تحریف را نه فقط در قلم دشمن، بلکه در غفلت دوستان می‌دید؛ آن‌گاه که روح انقلابی در میان شعارها رنگ می‌بازد و عدالت، به مصلحت فروخته می‌شود.

تحریف؛ جنگ نرم علیه حافظه تاریخی ملت

تحریف انقلاب، در واقع نوعی جنگ نرم علیه حافظه جمعی ملت است. امام خمینی در پیام‌های خود تصریح می‌کرد: «دشمنان می‌خواهند نسل آینده ما را از مسیر انقلاب جدا کنند، با تحریف حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها.» این هشدار، امروز بیش از هر زمان معنا دارد. در دنیای رسانه‌ای، تحریف نه با سانوسور، بلکه با حجم انبوه اطلاعات غلط انجام می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناسی سیاسی، تحریف تاریخ، راهی برای تغییر هویت ملت‌هاست. قرآن در سوره صف آیه ۸ می‌فرماید: «يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ؛ آنان می‌خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش کنند، ولی خدا نور خود را کامل می‌کند. امام بر همین وعده الهی تکیه داشت و رسانه را ابزاری برای تداوم نور حقیقت می‌دانست.

نقش رسانه در صیانت از حقیقت

امام خمینی رسانه را «دانشگاه عمومی ملت» می‌نامید. از نگاه او، قلم و صدا، مسئولیتی سنگین‌تر از شمشیر دارند. در سخنانی فرمود: «اگر رسانه‌ها غفلت کنند، دشمن در ذهن‌ها رخنه می‌کند و انقلاب از درون تهی می‌شود.» این نگاه، با آموزه قرآن در سوره نحل آیه ۱۲۵ هماهنگ است: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ

تحریف انقلاب، در واقع نوعی جنگ نرم علیه حافظه جمعی ملت است. امام خمینی در پیام‌های خود تصریح می‌کرد: «دشمنان می‌خواهند نسل آینده ما را از مسیر انقلاب جدا کنند، با تحریف حقایق و وارونه جلوه دادن واقعیت‌ها.» این هشدار، امروز بیش از هر زمان معنا دارد



۱۱ آذر - سالروز شهادت میرزا کوچک خان جنگلی

میرزا یونس معروف به میرزا کوچک خان جنگلی، روحانی، مبارز و رهبر نهضت جنگل در خطهٔ گیلان بود که در برابر استبداد داخلی و نفوذ بیگانگان، به‌ویژه روسیه و انگلیس، قیام مسلحانه‌ای مردمی به راه انداخت.

میرزا در ۱۲۵۹ شمسی در رشت متولد شد، تحصیلات حوزوی را در تهران و نجف گذراند وی در جنبش مشروطه شرکت داشت و نهضت جنگل (۱۲۹۳ شمسی) را تأسیس کرد. هدف اصلی نهضت مقابله با استبداد، حفظ استقلال ایران، اجرای عدالت و شریعت اسلام بود.

پس از شکست نهضت جنگل و تفرقه در صف یاران، میرزا کوچک خان در سرمای زمستان جنگل‌های گیلان گرفتار شد. در تاریخ ۱۱ آذر ۱۳۰۰ هجری شمسی، در ارتفاعات اطراف ماسال و خلخال در اثر سرما و یخبندان جان باخت. پیکرش بعدها توسط نیروهای ضدنهضت سر بریده شد. میرزا کوچک خان؛ نماد مبارزه با استبداد و استعمار، پیوند دیانت و سیاست، مقاومت مردمی و وطن دوستی بود.



۱۲ آذرماه روز قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

این روز یادآور تصویب نهایی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در سال ۱۳۵۸ است، زمانی که مردم ایران در یک همه‌پرسی عمومی در روزهای ۱۱ و ۱۲ آذر با اکثریت قاطع ۹۹٪ به این قانون رأی مثبت دادند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷، نیاز به تدوین قانونی جدید بر اساس اصول اسلامی احساس شد. مجلس خبرگان قانون اساسی با حضور ۷۵ نماینده منتخب مردم از مرداد تا آبان ۱۳۵۸ به تدوین این قانون پرداخت متن نهایی شامل ۱۷۵ اصل بود که بعدها به ۱۷۷ اصل افزایش یافت.

مناسبت‌های شمسی و قمری

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان

روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان هر سال در تاریخ ۲۵ نوامبر ۴ آذر ماه گرامی داشته می‌شود. سازمان ملل متحد این روز را به عنوان فرصتی برای اقدام جهانی علیه خشونت علیه زنان معرفی کرده و خواستار تلاش هماهنگ کشورهای برای پیشگیری، آموزش، حمایت و مجازات عاملان خشونت شده است.

خشونت علیه زنان نه تنها نقض حقوق بشر است، بلکه مانعی جدی در برابر توسعه پایدار، صلح و عدالت اجتماعی نیز به شمار می‌رود. پایان دادن به این پدیده نیازمند اراده جمعی، آموزش‌های جنسیتی، تغییر نگرش‌ها و حمایت از قربانیان است.



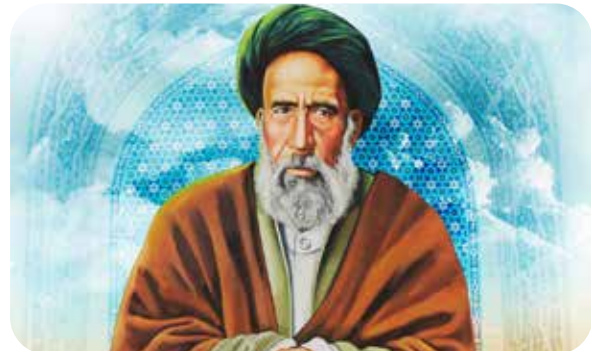
۱۰ آذر - سالروز شهادت آیت‌الله سید حسن مدرس

سید حسن مدرس در سال ۱۲۴۹ هجری شمسی (حدوداً ۱۲۸۷ قمری) در اطراف اردستان به دنیا آمد. او از شاگردان برجسته حوزه علمیه اصفهان و نجف بود و در کنار تحصیلات حوزوی، وارد عرصه سیاست نیز شد.

مدرس از اعضای اصلی مجلس شورای ملی در دوره‌های دوم تا ششم و از مدافعان جدی مشروطیت مشروعه و مقابله با استبداد داخلی و نفوذ خارجی و منتقد سرسخت رضاخان بود.

در سال ۱۳۰۷ شمسی، به دستور مستقیم رضاشاه، ابتدا به شهر خواف و سپس به کاشمر تبعید شد. پس از تحمل سال‌ها تبعید و حبس، نهایتاً در ۱۰ آذر ۱۳۱۶ توسط عوامل حکومت پهلوی در کاشمر مسموم و خفه شد.

جمله معروف از مدرس: سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ماست.





سبیح؛ مدرسه مسئولیت و خودآگاهی اجتماعی

بدین سان، جوانی که در فضای سبیح رشد می‌کند، از دایره منافع شخصی فراتر رفته و خود را شریک در رنج و شادی ملت می‌بیند.

تربیت اخلاقی و خودسازی اجتماعی

مسئولیت‌پذیری اجتماعی تنها در رفتار بیرونی خلاصه نمی‌شود، بلکه ریشه در خودسازی درونی دارد. امام صادق (ع) فرمودند: «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَاَعِظْ مِنْ نَفْسِهِ لَمْ يَنْفَعُهُ مَوْعِظَةُ النَّاسِ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۸۰)؛ کسی که درونش پنددهنده‌ای ندارد، از موعظه دیگران سودی نمی‌برد. سبیح، این وعظ درونی را از طریق تربیت ایمانی و معنوی در جوان زنده می‌کند تا مسئولیت‌پذیری او از جنس تکلیف الهی باشد، نه صرفاً وظیفه اجتماعی.

نتیجه‌گیری؛ آینده‌ای بر پایه تعهد

نسل جوان امروز با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌روست: بحران هویت، فردگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی. در چنین فضایی، سبیح می‌تواند کانونی برای بازسازی روح مسئولیت‌باشد؛ نهادی که ایمان را با دانش، و آرمان را با عمل جمع می‌کند. بازگشت به الگوی سبیحی یعنی بازگشت به انسان متعهدی که به تعبیر قرآن، «خُلِقَ لِيَعْمَلَ» (جمعه، ۱۰)؛ برای تلاش و آبادانی آفریده شده است. جامعه‌ای که جوانانش چنین روحیه‌ای داشته باشند، آینده‌ای روشن و پویا خواهد داشت. منابع:

۱. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا، ۱۳۸۸.

۲. فروم، اریک. گریز از آزادی. ترجمه اکبر تبریزی، نشر مروارید، ۱۳۹۵.

سبیح در فرهنگ انقلاب اسلامی، تنها یک سازمان نظامی یا امدادی نیست، بلکه نهادی فرهنگی - تربیتی است که جوان را از «من فردی» به «ما اجتماعی» ارتقا می‌دهد. در جامعه‌ای که فردگرایی و رفاه‌طلبی روزافزون می‌شود، سبیح نقش یک مدرسه تربیتی را دارد؛ مدرسه‌ای که در آن، خدمت به مردم بالاترین افتخار است. قرآن کریم در توصیف مؤمنان واقعی می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» (حشر، ۹)؛ آنان دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، هرچند خود نیازمند باشند. این روحیه ایثار و مسئولیت‌پذیری، شالوده هویت سبیحی است.

از ایمان تا عمل؛ پیوند دین و تعهد اجتماعی

در منطق قرآن، ایمان زمانی معنا دارد که به رفتار اجتماعی منجر شود. امیرالمؤمنین علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «لَا تَكُنْ مِمَّنْ يَرْجُو الآخِرَةَ بغيرِ العَمَلِ» (نهج البلاغه، نامه ۲۲)؛ از کسانی مباش که به آخرت امید دارند، بی آنکه عمل کنند. این بیان، هشدار می‌دهد که مسئولیت اجتماعی از ایمان جدا نیست.

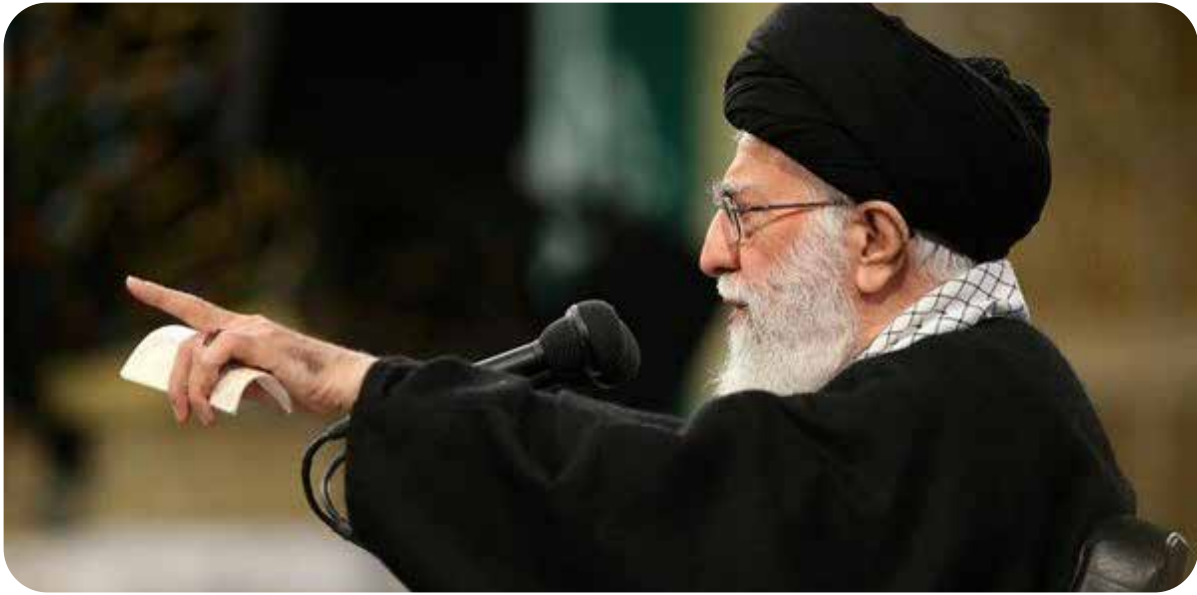
جوان سبیحی، مؤمن فعال است؛ نه منزوی، نه صرفاً منتقد. او در میدان جامعه، از رفع نیاز محرومان تا دفاع فرهنگی در فضای مجازی، مسئولانه عمل می‌کند. در حقیقت، روحیه سبیحی، ترجمان معاصر «امر به معروف و نهی از منکر» است.

جامعه‌شناسی مسئولیت؛ نقش هویت جمعی

از نگاه روان‌شناسی اجتماعی، هویت جمعی یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری رفتارهای مسئولانه است. پژوهش‌ها نشان می‌دهد افرادی که احساس تعلق به گروه‌های ارزش‌محور دارند، در برابر مشکلات اجتماعی واکنش فعال‌تری نشان می‌دهند. سبیح، با ایجاد شبکه‌های مردمی و داوطلبانه، این احساس تعلق را در جوانان تقویت می‌کند.

به تعبیر شهید مطهری، انسان مؤمن، خود را مسئول سرنوشت جامعه می‌داند، زیرا «آزادی و مسئولیت دو روی یک حقیقت‌اند».

نسل جوان امروز با چالش‌های پیچیده‌ای روبه‌روست: بحران هویت، فردگرایی، بی‌اعتمادی اجتماعی. در چنین فضایی، سبیح می‌تواند کانونی برای بازسازی روح مسئولیت باشد؛ نهادی که ایمان را با دانش، و آرمان را با عمل جمع می‌کند



بصیرت در اندیشه اسلامی و انقلابی

سیجیان، ۴/۹/۱۳۹۴). در واقع، بصیرت انقلابی نوعی هوشیاری جمعی است که مردم را از انفعال سیاسی، هیجانات زودگذر و تحریف حقایق بازمی‌دارد. فرد بصیر، نه اسیر جو می‌شود و نه فریب شعار را می‌خورد؛ او معیارش حق است نه اشخاص.

ضرورت بصیرت در عصر فتنه

فتنه، جایی است که حق و باطل در هم می‌آمیزند و معیارها کدر می‌شوند. در چنین شرایطی، تنها چشم دل بصیر است که راه را تشخیص می‌دهد. امام علی(ع) فرمودند: «إِنَّمَا بَدَأُ وَفُوعَ الْفِتْنِ أَهْوَاءُ تُتَّبَعُ وَأَحْكَامٌ تُتَدَعُ» (نهج البلاغه، خطبه ۵۰). یعنی فتنه از آنجا آغاز می‌شود که هواهای نفسانی دنبال شوند و احکام نادرست پدید آیند. بصیرت، سپری است در برابر چنین انحرافات؛ زیرا انسان بصیر، پیش از آن که گرفتار موج‌ها شود، عمق آب را می‌سنجد. در جهان رسانه و جنگ شناختی امروز، بصیرت همان قدرت تحلیل و تشخیص در برابر سیل اطلاعات است.

پرورش بصیرت در زندگی امروز

بصیرت با مطالعه و تفکر و تهذیب نفس به دست می‌آید. همان‌گونه که امام علی(ع) فرمودند: «بِالتَّفَكُّرِ تَبَيَّنَ الْبَصِيرَةُ» (غررالحکم، ح ۱۷۴۲)؛ با اندیشه، بصیرت آشکار می‌شود. انسان مؤمن باید هم از نظر فکری تغذیه‌ی صحیح داشته باشد و هم دلش را از آلودگی‌ها پاک نگه دارد. امروز جهاد تبیین که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند، خود شکل عملی بصیرت است؛ یعنی فهم درست حقایق و انتقال آگاهانه‌ی آن به دیگران.

بصیرت با مطالعه و تفکر و تهذیب نفس به دست می‌آید. همان‌گونه که امام علی(ع) فرمودند: «بِالتَّفَكُّرِ تَبَيَّنَ الْبَصِيرَةُ» (غررالحکم، ح ۱۷۴۲)؛ با اندیشه، بصیرت آشکار می‌شود.

درک روشن از حقیقت

بصیرت در لغت به معنای بینایی و آگاهی قلبی است؛ اما در اندیشه‌ی اسلامی، مفهومی عمیق‌تر از دانستن دارد. بصیرت، دیدن حقیقت از ورای پرده‌هاست؛ نوری است که خداوند در دل مؤمنان می‌تاباند تا در تاریکی فتنه‌ها راه را از بی‌راهه تشخیص دهند. قرآن کریم می‌فرماید: «هَذَا بَصَائِرُ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (جاثیه، ۲۰)؛ این آیات روشنگر دل‌های مردمان با‌یقین است. در این نگاه، بصیرت همان «یقین‌بینا»ست؛ دانشی که به بینش بدل شده و از سطح ذهن به عمق جان نفوذ می‌کند.

بصیرت در نگاه اهل بیت(ع)

در سخنان امام علی(ع) و امام صادق(ع) بصیرت کلید نجات انسان در دوران فتنه معرفی شده است. امیرالمؤمنین(ع) می‌فرمایند: «لَا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرَطًا أَوْ مُفْرَطًا» (نهج البلاغه، حکمت ۷۰). یعنی نادان یا در افراط است یا در تفریط؛ تنها اهل بصیرت‌اند که راه میانه را می‌شناسند. بصیرت، تعادل و حکمت در عمل است. امام صادق(ع) نیز می‌فرمایند: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللُّوَابِسُ» (کافی، ج ۱، ص ۲۶). یعنی کسی که زمان خود را بشناسد، فتنه‌ها بر او هجوم نمی‌آورند. این سخن به زیبایی پیوند «زمان‌شناسی» و «بصیرت» را آشکار می‌سازد؛ زیرا بی‌بصیرتی، در اصل غفلت از شرایط و جریان‌های زمان است.

بصیرت در اندیشه‌ی انقلابی

در مکتب امام خمینی(ره) و رهبر معظم انقلاب، بصیرت یعنی درک درست از موقعیت تاریخی و شناخت دشمن و جبهه‌ی حق. امام خمینی(ره) فرمودند: «اگر ملت بصیر نباشد، ممکن است فریب بخورد و انقلابش را به دست دشمن بسپارد» (صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۳۴۷). رهبر انقلاب نیز می‌گویند: «بصیرت یعنی تشخیص درست صحنه و جایگاه خود در آن» (بیانات در دیدار



رابطه‌ی بین بصیرت و عمل انقلابی

از آگاهی تا اقدام

بصیرت اگر به عمل نینجامد، دانشی بی‌ثمر است. آگاهی، زمانی ارزش دارد که انسان را به حرکت در مسیر حق و اصلاح جامعه وادارد. در منطق اسلام، علم و عمل دو بال پرواز انسان‌اند و هیچ‌کدام بدون دیگری معنا ندارد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» (عنکبوت، ۶۹)؛ یعنی آنان که در راه ما تلاش می‌کنند، به راه‌های خود هدایتشان می‌کنیم. این آیه نشان می‌دهد که هدایت الهی در میدان عمل تحقق می‌یابد، نه در انزوا و بی‌حرکی.

بصیرت؛ مقدمه‌ی مسؤلیت

در فرهنگ قرآن، آگاهی همواره با مسؤلیت همراه است. کسی که حقیقت را می‌شناسد، دیگر نمی‌تواند بی‌تفاوت بماند. امام علی (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْعَالِمَ مَنْ عَرَفَ قَدْرَ نَفْسِهِ فَأَنْزَلَهَا مَنْزِلَتَهَا» (غررالحکم، ح ۲۷۳۱). یعنی عالم حقیقی کسی است که جایگاه خود و وظیفه‌اش را بشناسد. بصیرت نیز چنین است: شناختی که به احساس تکلیف می‌انجامد. از نگاه اسلام، دانستن بی‌تعهدی نوعی خیانت است؛ زیرا خداوند از اهل آگاهی، عمل می‌طلبد.

بصیرت انقلابی؛ آگاهی همراه با تعهد

در مکتب امام خمینی (ره)، بصیرت واقعی همان آگاهی متعهدانه است؛ بینشی که انسان را به مسؤلیت اجتماعی و دفاع از حق می‌رساند. ایشان می‌فرمودند: «اگر ملتی بصیرت نداشته باشد، دشمن از ناآگاهی او استفاده می‌کند، ولی اگر ملت آگاه و با عمل باشد، دشمن شکست می‌خورد» (صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۵۸). رهبر معظم انقلاب نیز بارها تأکید کرده‌اند که «بصیرت یعنی درک صحنه، و عمل انقلابی یعنی حضور به‌موقع در آن صحنه» (بیانات در دیدار نخبگان، ۲۹/۸/۱۳۹۸). بصیرت، چراغی است که مسیر عمل را روشن می‌سازد و عمل، ثمره‌ی درخت بصیرت است. انسان بصیر، زمان را می‌شناسد، اولویت‌ها را تشخیص می‌دهد و در لحظه‌ی لازم اقدام می‌کند؛ نه زودتر و نه دیرتر.

تمایز میان عمل انقلابی و هیجان سیاسی

عمل انقلابی با رفتار هیجانی تفاوت دارد. هر حرکتی که رنگ احساس داشته باشد، الزاماً انقلابی نیست. عمل انقلابی حرکتی آگاهانه، هدفمند و اخلاقی است؛ حرکتی که عقل، ایمان و عدالت را در خدمت اصلاح جامعه به کار می‌گیرد. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر هشدار می‌دهد: لا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَعًا ضَارِيًا تَغْتَنَّمُ أَكْلَهُمْ (نهج البلاغه، نامه ۵۳). یعنی در مدیریت و رفتار اجتماعی، از خشم و تندروی پرهیز. عمل انقلابی، برخلاف شور سطحی، ریشه در شناخت و عقلانیت

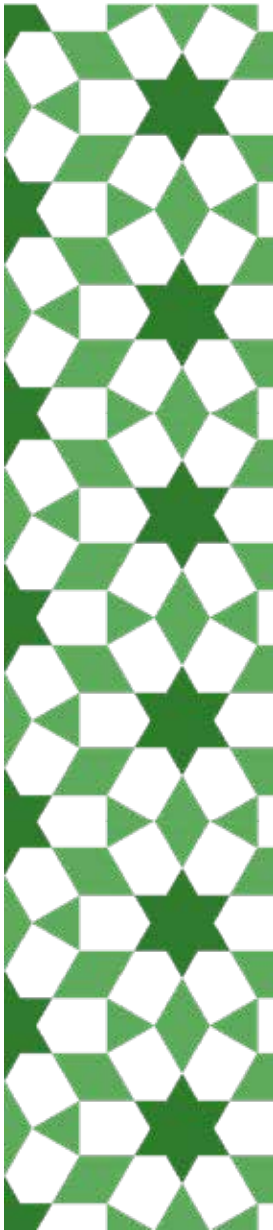
دارد. به همین دلیل رهبر انقلاب تأکید می‌کنند: «انقلابی بودن یعنی پرهیز از محافظه‌کاری، اما در عین حال عمل بر پایه‌ی منطق و عدالت» (بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۱۹).

پیوند ایمان، آگاهی و عمل

قرآن مؤمنان را چنین معرفی می‌کند: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ ایمان بدون عمل بی‌ثمر است و عمل بدون ایمان، بی‌جهت. در اندیشه‌ی انقلاب اسلامی نیز بصیرت، ایمان و عمل سه حلقه‌ی یک زنجیرند. اگر ایمان ریشه است و بصیرت ساقه، عمل انقلابی میوه‌ی آن درخت است. این سه با هم جامعه را زنده نگه می‌دارند. عمل آگاهانه است که انقلاب را از ایستایی و تکرار نجات می‌دهد. هرگاه آگاهی و عمل از هم جدا شوند، انقلاب در خطر انحراف و سطحی‌نگری قرار می‌گیرد.

عمل انقلابی با رفتار هیجانی تفاوت دارد. هر حرکتی که رنگ احساس داشته باشد، الزاماً انقلابی نیست. عمل انقلابی حرکتی آگاهانه، هدفمند و اخلاقی است؛ حرکتی که عقل، ایمان و عدالت را در خدمت اصلاح جامعه به کار می‌گیرد.

گوناگون



آیات پایداری: فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

دو بار در سوره شرح آمده، یعنی برای هر سختی، دست کم دو آسانی است. رزمندگان می‌گفتند: بعد از هر خمپاره، نسیمی هست از بهشت.

ادامه را بنویس: در هر سختی، _____ .

جای خالی را پر کنید: سخن ارونند

غواص جوانی پیش از عبور از رود گفت:

اگر نتوانستم برگردم، بگویند ارونند مرا برد، نه دشمن.

رفیقش خندید و گفت: کجا می‌بردت؟

او لبخند زد: به همان جایی که خدا وعده داده به صابران.

سرنخ قرآنی: «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

پاسخ پیشنهادی: بهشت / خدا

حدس بزن قهرمان: پسر روستا و ستاره‌ی مقاومت

اهل روستایی بود که بیشتر از زمین، آسمان داشت.

می‌گفت: دنیا کوچیکه، فقط راه شهادت توش بزرگه.

در سوریه، وقتی خبرنگار پرسید چرا آمده‌ای، گفت: برای دفاع از لبخند بچه‌هام!

اهل شوخی بود؛ به هم‌زمان می‌گفت: اگر برگشتم، برام کار فرهنگی بسازید

نه مجسمه!

لبخند آخرش همان بود که بر خاک حلب ماند.

او شهید محسن حججی بود؛ مردی که از خاک نجف‌آباد برخاست و در آسمان

مقاومت جا گرفت.

منبع: سرود حججی، انتشارات شهید آوینی

سرباز و پشه‌های شب عملیات

در عملیات والفجر ۸، یکی از رزمنده‌ها پتو را تا روی سر کشیده بود و می‌لرزید. فرمانده پرسید: سردت

شده؟ گفت: نه حاجی، پشه‌ها دارن تمرین عملیات انتحاری می‌کنن!

همه خندیدند، حتی نگهبان خسته‌ی شب.

در میان گلوله و آتش، همین شوخی‌های ساده، چراغ جان بودند. خنده، نیرویی بود که حتی در تاریکی

شیمیایی هم امید می‌آورد.

پشه‌ها شاید خواب نداشتند، اما ایمان رزمندگان خواب مرگ را از دشمن ربود.

منبع الهام: لبخندهای خاکی، جلد دوم، حوزه هنری

چراغ فانوس

شبِ عملیات بود. هوا پر از صدای خمپاره و دلهره بود. رضا فانوس کوچکش را برداشت، فتیله‌اش سوخته بود، اما نور هنوز از شیشه‌اش بیرون می‌زد. بچه‌ها گفتند: "فانوست که خاموشه!" لبخند زد و گفت: "نه، خدا خاموش نشده."

آن شب تا صبح فانوس سوخت، اما نورش نرفت. رضا رفت و دیگر برنگشت. صبح که آفتاب بالا آمد، هنوز نور کوچکی از فانوس می‌تابید. هم‌رزمش بعدها گفت: از آن شب فهمیدم بعضی نورها از سوخت نیست، از ایمان است. ایمان خاموش نمی‌شود، حتی وقتی نفس آخر را می‌کشی.

منبع الهام: کتاب "سلام بر ابراهیم"، جلد اول - خاطرات شهید ابراهیم هادی



هر که دلش دریاست، موج هم مهمان اوست

رزمنده‌ای خسته از موج خمپاره گفت: این دریا نمی‌ذاره آروم بگیریم! رفیقش لبخند زد: «دریا که آروم باشه، دریا نیست!» طنز جبهه، فلسفه‌ی مقاومت بود؛ آرامش در دل طوفان، نه بیرون از آن.

منبع: روایت‌های فاو، مرکز فرهنگی مقاومت جنوب



کُد رمز ایمان: عدد شکیبایی

در سوره بقره آیه ۷۵۱، سه یادداشت آمده: «صَلَوَات»، «رحمت»، «هدایت». واژه صبر در قرآن ۹ بار آمده است؛ نشانه کمال تکرار ایمان.

الهام از قرآن و نگاه معنوی

قرآن می‌گوید: "أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ" □ اما ما گاهی دنبال آرامش در اعلان‌ها می‌گردیم، نه در یاد خدا. شب‌ها، وقتی صفحه‌ی گوشی را خاموش می‌کنم، نور آبی هنوز روی پلک‌هایم مانده...

آن لحظه تازه می‌فهمم چرا سکوت شب شبیه دعاست.

شاید باید یاد بگیریم در این دنیای پر از حرف و خبر، گاهی مثل اذان صبح باشیم؛ کوتاه، آرام، و بیدارکننده.

نامه از مادری امروز به پسری دیروز: پسر، هر بار صدای اذان می‌آید، انگار تو را صدا می‌زند.

دختر کوچکم پرسید: «مامان، چرا تو هنوز برای کسی که نمی‌شناسی گریه می‌کنی؟»

گفتم: «چون او پسر همه‌ی مادرها بود.»

دوبیتی لبخند مقاومت

لبخند زدم میان آتش، دیدی؟

از خنده من گلوله ترسید، دیدی؟

گفتم که امید، بی‌تفنگ هم می‌جنگد

با لب بگویم یا با فریاد، دیدی؟

این دوبیتی برگرفته از خاطره‌ای واقعی از فاو است،

وقتی رزمنده‌ای گفت: «خنده‌ها مون از تانک قوی‌تره!»

منبع: دفتر لبخندهای خاکی، ص ۷۳



اخلاق بسیجی؛ جلوه‌ای از ایمان زنده

مردم‌داری؛ چهره زمینی ایمان

یکی از ویژگی‌های ممتاز اخلاق بسیجی، مردم‌داری و خدمت بدون مرز است. رسول اکرم (ص) فرمودند: «خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ» (بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۳۹۱)؛ بهترین مردم، سودمندترین آنان برای مردم است.

بسیجی، با چنین نگاهی، به جای داوری درباره مردم، در خدمت آنان قرار می‌گیرد. او در محله، مدرسه یا محیط کار، پلی میان ایمان و اجتماع است. مردم‌داری در مکتب بسیج یعنی درک دردهای مردم، گوش دادن به آنان و یاری کردنشان با ادب و فروتنی.

به تعبیر مقام معظم رهبری، «بسیجی یعنی آن که در کنار مردم و از جنس مردم است؛ این تعریف، جوهره اخلاق بسیجی را روشن می‌کند.

الگوی برای جامعه اخلاقی

امروز که جامعه با چالش‌های اخلاقی و فردگرایی گسترده روبه‌روست، بازخوانی الگوی اخلاق بسیجی ضرورتی اجتماعی است. این الگو بر سه ستون استوار است: ایمان خالص، عمل مداوم، و مردم‌داری عاشقانه.

چنین اخلاقی می‌تواند جوان امروز را از سردرگمی ارزش‌ها نجات دهد و به او معنای تازه‌ای از مسئولیت بدهد. بسیج، اگر با روح اخلاقی خود زنده بماند، نه تنها حافظ امنیت، بلکه معمار اعتماد و انسانیت در جامعه خواهد بود.

منابع:

۱. طباطبایی، سید محمدحسین. المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق.
۲. مطهری، مرتضی. تعلیم و تربیت در اسلام. تهران: صدرا، ۱۳۸۸.

امروز که جامعه با چالش‌های اخلاقی و فردگرایی گسترده روبه‌روست، بازخوانی الگوی اخلاق بسیجی ضرورتی اجتماعی است. این الگو بر سه ستون استوار است: ایمان خالص، عمل مداوم، و مردم‌داری عاشقانه.

اخلاق بسیجی، صرفاً مجموعه‌ای از رفتارهای فردی نیست، بلکه بازتاب ایمان در میدان عمل اجتماعی است. در منطق قرآن، ایمان واقعی باید در رفتار متجلی شود؛ همان‌گونه که می‌فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا (كهف، ۱۰۷).

در این آیه، ایمان و عمل صالح در کنار هم آمده‌اند، گویی هیچ‌یک بدون دیگری معنا ندارد. بسیجی مؤمن، کسی است که باور قلبی خود را به میدان خدمت، جهاد، ایثار و مردم‌داری می‌آورد و اخلاق او از ایمانش سرچشمه می‌گیرد، نه از مصلحت یا شهرت اجتماعی.

ایمان؛ ریشه تعهد و فروتنی

بنیان اخلاق بسیجی بر ایمان و فروتنی استوار است. امیرالمؤمنین (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ أَدْوَمُهَا وَإِنْ قَلَّ» (حکمت ۲۸۶)؛ برترین عمل، پایدارترین آن است، هر چند اندک باشد.

این سخن، جوهره رفتار بسیجی را بیان می‌کند: استمرار در خیرخواهی، نه نمایش لحظه‌ای از تعهد. ایمان واقعی، انسان را به ثبات اخلاقی می‌رساند؛ او را در برابر قدرت متواضع و در برابر محرومان مهربان می‌سازد.

بسیجی با باور دینی، نه برای دیده‌شدن، بلکه برای رضای خدا خدمت می‌کند. چنان‌که قرآن کریم از زبان بندگانش صالح می‌فرماید: «إِنَّمَا نَطْعِمُكُمْ لَوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا» (انسان، ۹).

عمل؛ تجلی ایمان در خدمت

در فرهنگ اسلامی، عمل نیک نشانه صداقت ایمان است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْإِيمَانَ عَمَلٌ كُلُّهُ» (اصول کافی، ج ۲، ص ۴۰)؛ ایمان سراسر عمل است.

بسیجی مظهر این پیوند است؛ او ایمانش را در خدمت به مردم نشان می‌دهد. خواه در میدان دفاع، خواه در یاری آسیب‌دیدگان یا کارهای فرهنگی. عمل بسیجی، نه تکلیف‌گریز است و نه خودنمایانه، بلکه از درک عمیق مسئولیت الهی می‌جوشد.

چنین رفتاری است که جامعه را از رکود اخلاقی نجات می‌دهد و حس همبستگی و اعتماد را در میان مردم زنده می‌سازد.



از جبهه‌های دیروز تا میدان‌های امروز

عبادت کرده است. این حدیث، نشان می‌دهد که خدمت اجتماعی، در نگاه اسلام، عبادتی هم‌سنگ نماز و روزه است. فرهنگ بسیجی و جهادی، وقتی به میدان‌های مدرن جامعه می‌رسد، همان روح عبادت را در کار داوطلبانه و خدمت‌رسانی باز تولید می‌کند.

نهادینه‌سازی ایثار در جامعه مدرن

برای تداوم فرهنگ ایثار، باید آن را از حالت عاطفی و مقطعی، به رفتاری نهادینه و مستمر تبدیل کرد. جامعه‌شناسان معتقدند که «سرمایه اجتماعی» جوامع بر پایه اعتماد و ایثار رشد می‌کند. نقش نهادهایی مانند بسیج، مساجد، خیریه‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در این مسیر کلیدی است. آن‌ها می‌توانند بستر همکاری، همدلی و تربیت انسان‌های نوع‌دوست را فراهم کنند.

از ایثار تا احیای امید

فرهنگ ایثار، تنها خاطره‌ای از گذشته نیست، بلکه سرمایه‌ای برای آینده است. جامعه‌ای که مردمش یکدیگر را می‌بینند و به یاری هم می‌شتابند، از بحران‌های اخلاقی و اجتماعی عبور می‌کند.

بسیج و جریان‌های جهادی امروز، اگر با صداقت و نظم و ایمان حرکت کنند، می‌توانند تداوم‌دهنده همان نوری باشند که در سال‌های دفاع مقدس بر چهره شهیدان می‌درخشید. ایثار در میدان‌های امروز یعنی زنده کردن امید؛ همان چیزی که جامعه معاصر بیش از هر زمان دیگر به آن نیاز دارد.

منابع:

۱. مطهری، مرتضی. جهاد و شهادت. تهران: صدرا، ۱۳۷۲.
۲. پوتنام، رابرت. سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی. ترجمه حسین بشیریه، تهران: نشر نی، ۱۳۸۰

فرهنگ ایثار، میراث ماندگار سال‌های دفاع مقدس است؛ اما برخلاف تصور عمومی، این فرهنگ محدود به خاکریز و میدان نبرد نیست. ایثار، روحی است که هر زمان و در هر میدان می‌تواند جاری باشد؛ از خط مقدم جنگ تا صف خدمت اجتماعی. قرآن کریم می‌فرماید:

وَيُؤْتِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ (حشر، ۹)؛ یعنی مؤمنان دیگران را بر خود مقدم می‌دارند، حتی اگر خود نیازمند باشند.

این آیه، جوهره‌ای از همان روحیه‌ای است که رزمندگان دیروز را به قله‌های ایمان رساند و امروز، می‌تواند الهام‌بخش کارهای خیر و جهادی در جامعه باشد.

ایثار؛ پلی میان گذشته و حال

ایثار در فرهنگ اسلامی مفهومی ایستا نیست؛ حرکتی است از خود به سوی دیگران. امام علی (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید: «إِنَّمَا يَحْفَظُ الدِّينَ أَهْلُهُ بِالْبَدَلِ وَالْجِهَادِ» (خطبه ۲۳). دین با فداکاری و مجاهدت اهل ایمان زنده می‌ماند.

امروز، میدان جهاد از خاکریز نظامی به عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی گسترش یافته است. همان روحیه‌ای که در جنگ، جان‌ها را به خدا پیوند داد، امروز می‌تواند در خیریه‌ها، گروه‌های جهادی، مراکز فرهنگی و طرح‌های مردم‌نهاد ادامه یابد.

ایثارگر امروز، کسی است که وقت، دانش و توان خود را برای بهبود زندگی دیگران صرف می‌کند؛ بی‌هیاهو و با نیت قربت.

از جهاد نظامی تا جهاد اجتماعی

در سال‌های اخیر، پدیده گروه‌های جهادی و فعالیت‌های مردمی در مناطق محروم، نمادی از تداوم همان فرهنگ ایثار است. این جوانان با دست خالی اما دلی سرشار از ایمان، به مناطق کم‌برخوردار می‌روند تا مدرسه، خانه، یا دل‌های خسته را آباد کنند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «مَنْ قَضَىٰ لِأَخِيهِ الْمُؤْمِنِ حَاجَةً كَانَ كَمَنْ عَبَدَ اللَّهَ ذَهْرًا» (اصول کافی، ج ۲، ص ۱۹۷)؛ هر کس حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، گویی عمری خدا را

فرهنگ ایثار، تنها خاطره‌ای از گذشته نیست، بلکه سرمایه‌ای برای آینده است. جامعه‌ای که مردمش یکدیگر را می‌بینند و به یاری هم می‌شتابند، از بحران‌های اخلاقی و اجتماعی عبور می‌کند.

خدمت بی‌منت؛ الگویی از بسیج در مدیریت بحران‌های اجتماعی



معنای خدمت بی‌منت در فرهنگ اسلامی

در جهان پر آشوب امروز که بحران‌های اجتماعی یکی پس از دیگری رخ می‌نمایند، مفهوم «خدمت بی‌منت» بیش از هر زمان دیگری معنا می‌یابد. قرآن کریم در سوره انسان آیه ۹ می‌فرماید: «إِنَّمَا نُنْعَمُكُمْ لَوْجَهَ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا»؛ یعنی ما شما را تنها برای رضای خدا اطعام می‌کنیم، نه به امید پاداش و سپاس. این آیه، جوهره خدمت بی‌منت را روشن می‌سازد؛ خدمتی که از سر عشق الهی و نه منفعت شخصی انجام می‌گیرد. در نگاه قرآن، خدمت خالصانه راهی برای قرب الهی و اصلاح نفس است. امام علی (ع) نیز در نهج البلاغه، نامه ۵۳، مردم را دو گروه معرفی می‌کند: «إِمَّا أُخِّ لَكَ فِي الدِّينِ أَوْ نَظِيرَ لَكَ فِي الْخَلْقِ». این بیان، نشان می‌دهد که خدمت به انسان‌ها نه لطف، بلکه وظیفه‌ای الهی است.

خدمت؛ پیوند ایمان و مسئولیت اجتماعی

از منظر دینی، خدمت بی‌منت نوعی تزکیه نفس است. قرآن در سوره شمس آیه ۹ می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»؛ رستگار کسی است که نفس خود را پاک کند. کسی که بی‌چشم‌داشت خدمت می‌کند، از اسارت نفس رها می‌شود و به مرتبه اخلاص می‌رسد. امام صادق (ع) در بحار الانوار (ج ۷۴، ص ۳۱۲) می‌فرماید: «مَنْ قَضَى لَأَخِيهِ حَاجَةً، قَضَى اللَّهُ لَهُ مِائَةَ حَاجَةٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»؛ هر کس نیاز برادرش را برآورد، خداوند صد نیاز او را برطرف می‌سازد.

بسیج؛ تجلی عینی خدمت بی‌منت

الگوی بسیج مستضعفین در ایران، مصداق بارز تحقق خدمت بی‌منت در عرصه اجتماعی است. این نهاد از دل مردم برخاسته و نیروهای داوطلب را برای امداد رسانی و محرومیت‌زدایی سامان می‌دهد. در زلزله کرمانشاه، سیل گلستان و بحران کرونا، بسیج به‌عنوان نخستین نیروی امدادی وارد میدان شد. آنچه این حرکت را متمایز می‌کند، نیت خالص و رویکرد مردمی آن است. جامعه‌شناسان، چنین الگویی را مصداق «سرمایه اجتماعی پویا» می‌دانند؛ سرمایه‌ای که در مواقع بحران، پیوندهای اجتماعی را فعال کرده و اعتماد عمومی را بازسازی می‌کند.

هماهنگی ایمان و علم در مدیریت بحران

در مدیریت بحران‌های اجتماعی، دو عنصر حیاتی نقش تعیین‌کننده دارند: انگیزه الهی و سازوکار علمی. خدمت بی‌منت، عنصر انگیزشی را فراهم می‌کند و علم مدیریت، ساختار کارآمد را. امام علی (ع) در نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «فَاللَّهُ اللَّهُ فِي نِظَامِ أُمُورِكُمْ»؛ یعنی خدا را خدا را در نظم کارهایتان رعایت کنید. این دستور اخلاقی، ضرورت سازمان‌دهی و برنامه‌ریزی را در کنار ایمان نشان می‌دهد. در علوم اجتماعی معاصر نیز، مدیریت بحران بدون مشارکت

مردمی و مسئولیت اخلاقی ممکن نیست. ترکیب ایمان و دانش، همان راهی است که بسیج در عمل پیموده است؛ حرکتی که از سویی بر اخلاص تکیه دارد و از سوی دیگر بر نظم، آموزش و همیاری.

بازسازی جامعه و اعتماد عمومی

خدمت بی‌منت تنها واکنشی به بحران نیست؛ بلکه فرآیندی برای بازسازی اجتماعی و روانی جامعه است. وقتی مردم می‌بینند گروهی بدون انتظار پاداش به یاری آنان می‌شتابد، احساس همبستگی و امید در دل‌ها زنده می‌شود. این همان چیزی است که روان‌شناسان آن را «سرمایه عاطفی» می‌نامند. در واقع، خدمت بی‌منت نه فقط زخم‌های مادی بلکه زخم‌های روحی جامعه را درمان می‌کند. از دیدگاه اسلامی نیز، این خدمت مقدمه‌ای برای جامعه‌ای مومن و مقاوم است؛ جامعه‌ای که در آن ایمان به خدا و عشق به انسان دست در دست هم دارند.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

خدمت بی‌منت تنها واکنشی به بحران نیست؛ بلکه فرآیندی برای بازسازی اجتماعی و روانی جامعه است. وقتی مردم می‌بینند گروهی بدون انتظار پاداش به یاری آنان می‌شتابد، احساس همبستگی و امید در دل‌ها زنده می‌شود. این همان چیزی است که روان‌شناسان آن را «سرمایه عاطفی» می‌نامند



بسیج؛ مدرسه ایثار در عصر رفاه‌زدگی

بحران رفاه و فراموشی انسانیت

در روزگار کنونی، که رفاه و مصرف‌گرایی به آرمان بسیاری از جوامع تبدیل شده است، ارزش‌هایی چون ایثار، از خودگذشتگی و مسئولیت اجتماعی به حاشیه رانده می‌شوند. انسان مدرن، در حصار آسایش خویش گرفتار آمده و گاه درد دیگران را فراموش می‌کند. قرآن کریم در سوره تکوین آیه ۱ هشدار می‌دهد: «الْهَآكُمُ التَّكَاثُرُ»؛ افزون‌طلبی شما را غافل کرده است. این غفلت، نتیجه طبیعی رفاه‌زدگی است؛ وضعیتی که در آن، انسان به جای خدمت به خلق، اسیر رقابت در مصرف می‌شود. در چنین فضایی، بسیج همچون مدرسه‌ای زنده برای احیای روح ایثار در جامعه عمل می‌کند؛ نهادی که با تکیه بر ایمان و عمل صالح، مرز میان خودخواهی و خدمت را بازتعریف می‌کند.

ایثار؛ جوهره حیات معنوی

در فرهنگ اسلامی، ایثار یکی از والاترین مراتب اخلاقی است. قرآن در سوره حشر آیه ۹ می‌فرماید: «وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ»؛ یعنی آنان دیگران را بر خود مقدم می‌دارند هرچند خود در تنگنا باشند. این آیه نگاهی عمیق به روح انسانی دارد؛ ایثار یعنی غلبه دادن وجدان اخلاقی بر غرایز خودخواهی. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۳، فرمود: «افضل الایمان الاحسان الی الناس». نیکوکاری به مردم، نشانه ایمان راستین است. از همین منظر، بسیج مدرسه‌ای است که در آن، ایمان در قالب عمل جلوه می‌کند؛ جایی که محبت به خدا با خدمت به انسان پیوند می‌خورد.

بسیج؛ تربیت‌گاه انسان متعهد

بسیج در ذات خود، نهادی آموزشی است. در این مدرسه، آموزش محدود به نظامی‌گری یا امداد نیست، بلکه شامل تربیت روحی، خودسازی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی است. امام خمینی (ره) در توصیف آن فرمود: «بسیج، لشکر مخلص خداست که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان راه خدا امضا کرده‌اند». این جمله، حقیقت بسیج را آشکار می‌کند؛ مجمعی از انسان‌هایی که می‌خواهند با ایمان و عمل صالح، خود را به خدا نزدیک کنند. از منظر جامعه‌شناسی نیز، بسیج یک نهاد مولد «سرمایه اخلاقی» است؛ یعنی ساختاری که ارزش‌های همیاری، وفاداری و نوع‌دوستی را در نسل جوان نهادینه می‌کند. در زمانی که تبلیغات جهانی انسان را به مصرف بیشتر و راحتی دائم دعوت می‌کند، بسیج انسان‌ها را به تلاش، قناعت و خدمت فرا می‌خواند.

ایثار در میدان عمل

اگر ایثار را تنها در سخن بسنجیم، از معنای حقیقی آن دور شده‌ایم. تاریخ معاصر ایران، میدان تجلی ایثار بسیجیان است. از روزهای دفاع مقدس تا امروز، در بحران‌هایی چون سیل، زلزله

و کرونا، نیروهای بسیجی با کمترین امکانات، در خط مقدم خدمت حاضر بوده‌اند.

روان‌شناسی ایثار و مقابله با رفاه‌زدگی

مطالعات روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد که خدمت داوطلبانه و ایثار، موجب افزایش شادی درونی و احساس معنا در زندگی می‌شود. فرد ایثارگر، با شکستن حصار خودمحوری، به تجربه‌ای عمیق از پیوند انسانی می‌رسد. در مقابل، رفاه‌زدگی و مصرف‌محوری، نوعی «بی‌معنایی وجودی» ایجاد می‌کند که به افسردگی و بی‌تفاوتی اجتماعی می‌انجامد. اسلام با دعوت به ایثار، انسان را از این چرخه رها می‌سازد و به تعادل میان نیاز مادی و مسئولیت معنوی می‌رساند. امام علی (ع) در حکمت ۳۴۴ نهج‌البلاغه می‌فرماید: «ما جاع فقیرٌ إلا بما تُعِّع به غنیٌّ»؛ هیچ فقیری گرسنه نمی‌ماند مگر به سبب زیاده‌خواهی ثروتمندان. این بیان، هشدار اخلاقی به جامعه‌ای است که رفاه را بر عدالت ترجیح می‌دهد.

منابع:

۱. نهج‌البلاغه، گردآوری شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

مطالعات روان‌شناسی اجتماعی نشان می‌دهد که خدمت داوطلبانه و ایثار، موجب افزایش شادی درونی و احساس معنا در زندگی می‌شود. فرد ایثارگر، با شکستن حصار خودمحوری، به تجربه‌ای عمیق از پیوند انسانی می‌رسد. در مقابل، رفاه‌زدگی و مصرف‌محوری، نوعی «بی‌معنایی وجودی» ایجاد می‌کند که به افسردگی و بی‌تفاوتی اجتماعی می‌انجامد.



رسانه بسیجی در عصر جنگ شناختی؛ روایت حقیقت در برابر تحریف

تبیین، سلاح نرم انقلاب

مفهوم «جهاد تبیین» که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند، ریشه‌ای عمیق در قرآن دارد. سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ مردم را با حکمت و پند نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. این آیه نشان می‌دهد که تبلیغ و تبیین، باید عقلانی، آرام و متقن باشد، نه صرفاً احساسی. رسانه بسیجی با چنین رویکردی، می‌تواند در برابر جنگ شناختی، سپری معرفتی بسازد که نه بر خشم، بلکه بر منطق و اخلاق استوار است. از دیدگاه جامعه‌شناسی ارتباطات، جامعه‌ای که رسانه متعهد دارد، در برابر تحریف مصون‌تر است، زیرا مردمش به منبعی صادق و آگاه اعتماد می‌کنند.

مقابله با تحریف؛ وظیفه‌ای فرهنگی

تحریف، تنها دروغ‌گویی نیست؛ بلکه حذف بخشی از حقیقت یا تغییر چارچوب آن نیز نوعی تحریف است. قرآن در سوره بقره آیه ۷۵، درباره اهل کتاب می‌فرماید: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ»؛ یعنی آنان کلمات را از جای خود می‌گردانند. این آیه هشدار می‌دهد که تحریف گاهی با تغییر زاویه روایت رخ می‌دهد. در رسانه‌های جهانی، اغلب ارزش‌های دینی و انقلابی با چنین روشی تخریب می‌شوند. رسانه بسیجی با بازنمایی درست و واقعیت، می‌تواند این تحریف را خنثی کند. از منظر علوم شناختی، مغز انسان به روایت بیشتر از داده اعتماد می‌کند؛ پس باید روایت‌های صادق، دقیق و الهام‌بخش تولید کرد تا حقیقت، جذاب‌تر از دروغ شنیده شود.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

تحریف، تنها دروغ‌گویی نیست؛ بلکه حذف بخشی از حقیقت یا تغییر چارچوب آن نیز نوعی تحریف است. قرآن در سوره بقره آیه ۷۵، درباره اهل کتاب می‌فرماید: «يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ»؛ یعنی آنان کلمات را از جای خود می‌گردانند

میدان تازه نبرد؛ از خاک تا ذهن

جنگ‌های امروز دیگر با گلوله آغاز نمی‌شوند، بلکه با خبر، تصویر و روایت شکل می‌گیرند. آنچه در ادبیات معاصر از آن به «جنگ شناختی» یاد می‌شود، نبردی است برای تسخیر ذهن و تغییر ادراک انسان‌ها. در این میدان، حقیقت هدف اصلی حمله است. دشمنان جوامع ایمانی با جعل روایت‌ها و دستکاری واقعیت، باور مردم را هدف می‌گیرند تا امید، اعتماد و هویت ملی را تضعیف کنند. قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۶ هشدار می‌دهد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا»، یعنی ای مؤمنان، اگر فاسقی خبری آورد، تحقیق کنید. این آیه بنیان تفکر انتقادی و راستی‌آزمایی را در فرهنگ اسلامی بنا می‌گذارد؛ اصلی که در عصر رسانه‌های شایعه‌ساز از هر زمان مهم‌تر است.

رسالت رسانه بسیجی؛ روایت حقیقت

رسانه بسیجی در چنین میدان شناختی، وظیفه‌ای دوگانه بر عهده دارد: نخست، پاسداری از حقیقت در برابر تحریف و دوم، تبیین واقعیت‌ها با زبان ایمان و عقلانیت. امام علی (ع) در نهج البلاغه، خطبه ۵۰ می‌فرماید: «ما ترک قوم الجهاد فی سبیل الله إلا ذلوا»؛ هیچ قومی جهاد در راه خدا را ترک نکرد مگر آنکه خوار شد. در عصر امروز، این جهاد، جهاد تبیین است؛ جهادی فکری برای دفاع از حقیقت در برابر سیل دروغ‌ها و تبلیغات. رسانه بسیجی با الهام از این آموزه، به جای انفعال در برابر رسانه‌های جهانی، باید کنشگر باشد؛ یعنی خود روایتگر میدان، نه صرفاً تماشاگر روایت دیگران.

اخلاق و مسئولیت در روایتگری

اسلام، اطلاع‌رسانی را صرفاً انتقال داده نمی‌داند، بلکه آن را امانتی اخلاقی تلقی می‌کند. در اصول کافی (ج ۲، ص ۱۶۴) از امام صادق (ع) نقل است: «کفی بالمرء کذباً أن یحدث بکل ما سمع»؛ برای دروغگو بودن انسان همین بس که هر چه شنید، نقل کند. این روایت معیار طلایی اخلاق رسانه‌ای در تفکر شیعی است. رسانه بسیجی باید بر پایه تحقیق، صداقت و نیت الهی حرکت کند



جنگی که بود
راهی که هست

جوان بسیجی و فضای مجازی؛ سرباز دانایی در میدان رسانه‌ای دشمن

جنگ روایت‌ها و مسئولیت تبیین

فضای مجازی پر از روایت‌های تحریف‌شده از حقیقت است. دشمن با گزینش و دروغ، چهره انقلاب و ایمان را وارونه نشان می‌دهد. قرآن در سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ مردم را با حکمت و پند نیکو به راه خدا بخوان. این آیه، راهبرد ارتباطی مومن را ترسیم می‌کند: سخن گفتن با منطق، نه با هیجان. جوان بسیجی باید اهل گفت‌وگو، مستدل و آرام باشد؛ نه مروج عصبانیت و نفرت. در جهاد تبیین، ادب و استدلال دو بال پیروزی‌اند. روان‌شناسان ارتباطات تأکید دارند که پیام‌های آرام و متین، تأثیری عمیق‌تر از فریادهای هیجانی دارند. رسانه مؤمن، باید قوی در محتوا و زیبا در بیان باشد.

اخلاق دیجیتال؛ ایمان در پشت صفحه

فضای مجازی تنها عرصه انتقال پیام نیست، بلکه میدان اخلاق نیز هست. امام علی (ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه خطاب به فرزندش می‌فرماید: «اجعل نفسک میزاناً فیما بینک و بین غیرک»؛ خود را معیار رفتار با دیگران قرار ده. در دنیای مجازی، رعایت حرمت، پرهیز از دروغ و غیبت، و نشر محبت، نشانه ایمان است. جوان بسیجی در عصر رسانه، سربازی است با سلاح دانایی. او باید در میدان مجازی، هم دیده‌بان حقیقت باشد و هم روایتگر امید. فضای مجازی اگر با ایمان، علم و اخلاق فتح شود، نه تهدید که فرصتی برای تمدن‌سازی است.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

جوان بسیجی در عصر رسانه، سربازی است با سلاح دانایی. او باید در میدان مجازی، هم دیده‌بان حقیقت باشد و هم روایتگر امید. فضای مجازی اگر با ایمان، علم و اخلاق فتح شود، نه تهدید که فرصتی برای تمدن‌سازی است.

میدان نبردی بی‌مرز

در دنیای امروز، جنگ‌ها نه در خاک و خون، بلکه در ذهن‌ها و داده‌ها جریان دارند. فضای مجازی، میدان نبردی است که دشمن در آن با تصویر، خبر و سرگرمی، هویت و ایمان نسل جوان را هدف می‌گیرد. قرآن کریم در سوره انفال آیه ۶۰ فرمان می‌دهد: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ»؛ هر نیرویی که می‌توانید برای مقابله با دشمن آماده کنید. در عصر دیجیتال، این نیرو همان «آگاهی» است. جوان بسیجی، اگر می‌خواهد سرباز این جبهه باشد، باید دانایی را سلاح خود سازد. در میدان رسانه‌ای دشمن، بی‌دانشی شکست است و شناخت، پیروزی.

فضای مجازی؛ فرصت یا تهدید؟

فضای مجازی، هم می‌تواند پلی برای هدایت باشد و هم ابزاری برای تحریف. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۴۰۹ می‌فرماید: «العقل حفظ التجارب»؛ خرد، نگهداری تجربه‌هاست. اگر از تجربه‌های جهان در استفاده از رسانه بیاموزیم، فضای مجازی را می‌توان به فرصتی برای آگاهی و تبیین تبدیل کرد. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، رسانه بستری است برای تأثیرگذاری متقابل؛ هر کس می‌تواند فرستنده یا گیرنده پیام باشد. جوان مؤمن، باید بداند که هر پست، هر توییت و هر تصویر، می‌تواند یا به جهاد فرهنگی خدمت کند یا به دشمن فرصت دهد. انتخاب این جهت، همان میدان مسئولیت است.

بسیجی دانا؛ جهادگر اندیشه

امروز، جهاد بسیجی تنها در سنگرهای فیزیکی معنا ندارد، بلکه در جبهه شناخت و روایت است. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۱، ص ۲۵) می‌فرماید: «العالم بزمانه لا تهجم علیه اللوایس»؛ کسی که زمان خود را بشناسد، دچار فریب نمی‌شود. شناخت زمان، یعنی درک سازوکار رسانه، الگوریتم‌ها، جریان‌سازی و عملیات روانی دشمن. جوان بسیجی باید «آگاهی رسانه‌ای» را همانند سلاح مقدس بیاموزد؛ بداند چگونه پیام بسازد، چگونه دروغ را تشخیص دهد و چگونه حقیقت را روایت کند. در این میدان، ایمان بدون علم، ساده‌دلی است و علم بدون ایمان، بی‌جهت.

بسیج و ادبیات مقاومت؛ کلمات در خدمت جهاد تبیین

قدرت کلمه در میدان نبرد اندیشه

جهان امروز، صحنه نبردی است که در آن، گلوله جای خود را به کلمه داده است. جنگ‌های رسانه‌ای و شناختی، ذهن‌ها را هدف گرفته‌اند و حقیقت را در میان انبوهی از تحریف‌ها پنهان می‌کنند. در چنین شرایطی، «ادبیات مقاومت» نه تنها ابزاری فرهنگی، بلکه سلاحی معرفتی است. قرآن کریم در سوره الرحمن آیه ۴ می‌فرماید: «عَلَّمَهُ الْيَتَانَ»؛ خداوند به انسان بیان آموخت. این آیه، به انسان بودن معنا می‌دهد؛ زیرا سخن، تجلی اندیشه است. هر گاه سخن در خدمت حقیقت قرار گیرد، جهاد آغاز می‌شود. بسیج، با بهره‌گیری از زبان ادبیات و فرهنگ، می‌تواند جهاد تبیین را از عرصه منبر و رسانه به قلب شعر، داستان و هنر منتقل کند.

ادبیات مقاومت؛ روایت ایمان در برابر تحریف

ادبیات مقاومت، صرفاً توصیف جنگ یا قهرمانی نیست؛ بلکه بازتاب روح ایمان، پایداری و عدالت‌خواهی است. قرآن در سوره آل عمران آیه ۱۳۹ می‌فرماید: «وَلَا تَهْتُوا وَلَا تَحْزِنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ سست نشوید و غمگین نباشید که اگر ایمان دارید، شما برترید. این آیه، پیام بنیادین ادبیات مقاومت است؛ پیامی که از دل ایمان می‌جوشد و به امید بدل می‌شود. در شعر مقاومت، واژه‌ها نه برای احساسات، بلکه برای بیداری به کار می‌روند. از سروده‌های حماسی دوران دفاع مقدس تا داستان‌های معاصر جهاد تبیین، ادبیات بسیجی، روایتگر انسان‌هایی است که با ایمان خویش بر تردید و ترس غلبه کرده‌اند.

کلمات؛ ابزار جهاد فرهنگی

امام علی(ع) در نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶ می‌فرماید: «فَاللَّهُ اللَّهُ فِي نِظَامِ أُمُورِكُمْ وَصَلَاحِ دَاتِ بَيْنِكُمْ»؛ خدا را خدا را در نظم کارها و اصلاح روابطتان رعایت کنید. این سخن، ناظر به نظم فکری و کلامی نیز هست. کلمه، اگر در مسیر درست به کار رود، می‌تواند جامعه را سامان دهد. اما اگر به بی‌دقتی یا هیجان رها شود، همان‌قدر ویرانگر خواهد بود که سلاح دشمن. در جهاد تبیین، کلمه سلاح است؛ سلاحی که باید با دانش، صداقت و ادب به کار گرفته شود.

بسیج؛ احیاگر فرهنگ گفت‌وگو و تبیین

بسیج از آغاز، حامل فرهنگ گفت‌وگو، روشنگری و بیدارسازی بوده است. در روزگار جنگ نرم، این نهاد باید زبان فرهنگی جامعه باشد؛ زبانی که بتواند حقیقت را با بیانی زیبا و مؤثر روایت کند. از منظر جامعه‌شناسی ارتباطات، ادبیات مقاومت، سرمایه نمادینی است که به جامعه، هویت و اعتماد به نفس می‌بخشد. وقتی بسیج، از طریق تولید شعر، فیلم، داستان و رسانه، ارزش‌های جهاد و ایمان را به زبان هنری منتقل می‌کند، در واقع در خط مقدم جهاد تبیین حضور دارد.



ادبیات مقاومت، در حقیقت تلاشی است برای آن که کلمه، به جای ابزار تبلیغ، به چراغ تفکر بدل شود.

زیبایی در خدمت حقیقت

اسلام، هنر را نفی نمی‌کند؛ بلکه آن را به مسیر حقیقت هدایت می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْجَمَالَ فِي التُّطُقِ بِالْحَقِّ»؛ زیبایی در گفتن حق است (غررالحکم، ح ۱۶۴۷). ادبیات بسیجی نیز از همین اصل پیروی می‌کند: زیبا گفتن برای رساندن حقیقت. در روان‌شناسی فرهنگی، گفته می‌شود که ذهن انسان در برابر داده‌های منطقی، مقاومت دارد اما در برابر روایت زیبا، تسلیم می‌شود. پس ادبیات مقاومت، باید حقیقت را در قالب زیبایی عرضه کند تا دل‌ها را بیدار سازد. شعر و داستانی که از ایمان زاده شود، تأثیرگذارتر از هزار استدلال سرد است.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة

اسلام، هنر را نفی نمی‌کند؛ بلکه آن را به مسیر حقیقت هدایت می‌کند. امام علی(ع) می‌فرماید: «إِنَّ الْجَمَالَ فِي التُّطُقِ بِالْحَقِّ»؛ زیبایی در گفتن حق است (غررالحکم، ح ۱۶۴۷). ادبیات بسیجی نیز از همین اصل پیروی می‌کند: زیبا گفتن برای رساندن حقیقت



بسیج علمی؛ جهاد در میدان فناوری و دانش بومی

علم؛ میدان تازه جهاد

در روزگاری که نبرد ملت‌ها نه با شمشیر بلکه با علم و فناوری رقم می‌خورد، جهاد معنایی تازه یافته است. امروز قدرت، در تسلط بر دانش نهفته است و عقب‌ماندگی علمی، خود نوعی اسارت است. قرآن کریم در سوره مجادله آیه ۱۱ می‌فرماید: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ»؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و آنان را که علم یافته‌اند، در جاتی والا می‌بخشد. این آیه، نشان می‌دهد که علم در نگاه اسلام، نه ابزار، بلکه عبادت است. در چنین منظری، «بسیج علمی» تجلی همان جهاد مقدس در میدان دانایی است؛ حرکتی برای خودکفایی، استقلال و عدالت علمی.

علم در خدمت ایمان

اسلام، هیچ‌گاه میان علم و ایمان جدایی قائل نشده است. امام علی (ع) در نهج البلاغه، حکمت ۳۵۴ می‌فرماید: «الْعِلْمُ سُلْطَانٌ مَنْ وَجَدَهُ صَالٍ بِهِ وَمَنْ لَمْ يَجِدْهُ صَبِيلَ عَلَيْهِ»؛ علم، قدرت است؛ هر که آن را داشته باشد، پیروز است و هر که نداشته باشد، مغلوب می‌گردد. در جهان امروز، این سخن بیش از هر زمان صادق است. علم بی‌جهت و بی‌تعهد، می‌تواند ابزار سلطه شود، اما علم متعهد و بومی، مایه عزت و پیشرفت است. بسیج علمی می‌کوشد تا علم را از انحصار نظام‌های مصرفی و مادی بیرون آورده و در مسیر خدمت به انسان و تعالی جامعه قرار دهد. از این رو، جهاد علمی، همان تداوم جهاد دفاعی است، اما در جبهه اندیشه و فناوری.

جوان مؤمن انقلابی؛ موتور حرکت علمی

هر تحول علمی به نیروی انسانی نیاز دارد که هم دانا باشد و هم مؤمن. رهبر انقلاب از چنین افرادی با عنوان «جوان مؤمن و انقلابی» یاد کرده‌اند؛ جوانی که علم را نه برای شهرت، بلکه برای خدمت می‌خواهد. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۱، ص ۳۴) می‌فرماید: «الْعَامِلُ بِعِلْمِهِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْعَالِمِ الَّذِي لَا يَعْمَلُ»؛ آن که به علم خود عمل می‌کند، نزد خدا محبوب‌تر است از عالمی که علمش را به کار نمی‌گیرد. این روایت، روح بسیج علمی را نشان می‌دهد: علم در خدمت عمل، دانایی در مسیر مسئولیت. جوان بسیجی باید هم پژوهشگر باشد و هم مجاهد؛ پژوهشگر در آزمایشگاه، مجاهد در جبهه استقلال علمی.

خودکفایی علمی؛ گام به سوی تمدن

تاریخ معاصر ایران نشان داده است که هرگاه بر توان داخلی تکیه شده، پیشرفت شتاب گرفته است. از تولید واکسن‌های ملی تا فناوری‌های نانو و فضایی، بخش بزرگی از این دستاوردها با حضور نیروهای جهادی و بسیجی محقق شده است. قرآن در سوره رعد آیه ۱۱ تأکید می‌کند: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان را تغییر دهند. این آیه، شعار اصلی حرکت علمی بومی است: خودباوری و اصلاح درون. در علوم انسانی و فناوری، استقلال از الگوهای غربی تنها با ایمان و تلاش جهادی ممکن است. بسیج علمی می‌خواهد دانش را از مصرف‌گرایی به تولید، و از وابستگی به نوآوری برساند.

اخلاق در علم؛ مرز میان پیشرفت و فساد

علم بدون اخلاق، شمشیری دولبه است. آنچه امروز جهان را از درون تهدید می‌کند، فناوری بی‌تعهد است. امام علی (ع) می‌فرماید: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ» (نهج البلاغه، حکمت ۸۱)؛ ارزش هر انسان به دانشی است که آن را نیکو به کار گیرد. در این معنا، علم تنها زمانی ارزش دارد که در خدمت خیر عمومی باشد. از منظر روان‌شناسی اجتماعی نیز، علم متعهد، اعتماد جمعی را افزایش می‌دهد و باعث همبستگی فرهنگی می‌شود. بسیج علمی با پیوند دادن علم و اخلاق، می‌تواند الگویی برای توسعه انسانی و معنوی ارائه دهد؛ الگویی که در آن آزمایشگاه، عبادت‌گاه و پژوهش، وسیله تقرب است.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

تاریخ نشان داده است که هرگاه بر توان داخلی تکیه شده، پیشرفت شتاب گرفته است. از تولید واکسن‌های ملی تا فناوری‌های نانو، بخش بزرگی از این دستاوردها با حضور و بسیجی محقق شده. «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ»؛ خدا سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خودشان را تغییر دهند

بسیج؛ ستون استوار مردم‌سالاری دینی در ایران امروز



مردم‌سالاری دینی؛ امتداد ایمان در عرصه اجتماع

مردم‌سالاری دینی، در اندیشه اسلامی، تلفیق «حق حاکمیت الهی» و «مشارکت آگاهانه مردم» است. در این الگو، رأی مردم نه در برابر دین، بلکه در امتداد آن معنا می‌یابد. قرآن کریم در سوره شوری آیه ۳۸ می‌فرماید: «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ»؛ کارشان به مشورت میان آنان است. این آیه، پایه نظری مشارکت عمومی در جامعه اسلامی است. در چنین منظومه‌ای، بسیج به عنوان نهاد برخاسته از متن مردم، حلقه اتصال ملت و نظام است؛ نهادی که اراده عمومی را با ایمان، و عقل جمعی را با اخلاص پیوند می‌دهد.

بسیج؛ تجلی مشارکت مؤمنانه

بسیج از نخستین روزهای شکل‌گیری‌اش، نماد حضور داوطلبانه مردم در تصمیم‌سازی، دفاع و سازندگی بوده است. امام خمینی (ره) درباره آن فرمود: «بسیج لشکر مخلص خداست». این تعبیر، بیانگر ماهیت مردمی و الهی بسیج است. در ساختار مردم‌سالاری دینی، بسیج نقش احزاب و نهادهای واسط را با رویکردی ایمانی ایفا می‌کند؛ یعنی مردم را نه با وعده مادی، بلکه با دعوت معنوی به میدان می‌آورد. از منظر جامعه‌شناسی سیاسی، این الگو نوعی «مشارکت ایمان‌محور» است که در آن، انگیزه حضور در اجتماع، از دل باور دینی برمی‌خیزد نه از منافع اقتصادی یا جناحی. بسیج بدین سان، روح زنده مردم‌سالاری دینی است.

نقش بسیج در استمرار جمهوریت نظام

نقش بسیج در پاسداری از جمهوریت نظام اسلامی، نقشی بی‌بدیل است. در انتخابات، بسیج با آموزش، آگاهی‌بخشی و روشننگری، زمینه حضور گسترده مردم را فراهم می‌سازد. در بحران‌ها نیز، این نهاد داوطلبانه از دل جامعه برمی‌خیزد تا وحدت ملی را حفظ کند. امام علی (ع) در نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳ می‌فرماید: «ولا تکنوا ممن یرجو الآخرة بغير عمل»؛ از کسانی نباشید که آرزوی آخرت دارند اما عمل نمی‌کنند. در مردم‌سالاری دینی نیز ایمان بدون مشارکت، بی‌ثمر است. بسیج با تبدیل ایمان به کنش اجتماعی، مردم را از حالت تماشاگر به کنشگر بدل می‌سازد و به جمهوریت معنا می‌بخشد.

پیوند مردم با نظام؛ کارکرد اجتماعی بسیج

از منظر علوم اجتماعی، هر نظام سیاسی برای بقا به «سرمایه اجتماعی» نیاز دارد؛ یعنی اعتماد، مشارکت و همبستگی. بسیج این سرمایه را در جامعه تولید و حفظ می‌کند. در سیل، زلزله، کرونا یا عرصه‌های فرهنگی و علمی، بسیجیان با حضور داوطلبانه خود، پیوند میان مردم و نظام را استوار می‌سازند. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۲، ص ۱۶۴) می‌فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ»؛ بهترین مردم کسی است که بیشترین

سود را به دیگران رساند. بسیج، تحقق عینی این آموزه است؛ شبکه‌ای از انسان‌های نیکوکار که نفعشان نه محدود به فرد یا گروه، بلکه شامل کل جامعه است. این حضور مردمی، همان ستون استوار مردم‌سالاری دینی است که از درون جامعه نیرو می‌گیرد، نه از بالا.

آگاهی، جهاد تبیین و دفاع از حقیقت

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مردم‌سالاری دینی، آگاهی و روشننگری است. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. این آیه، مأموریت فرهنگی بسیج را در جهاد تبیین ترسیم می‌کند. در فضای جنگ شناختی، بسیجی مؤمن با قلم، بیان و رسانه، از حقیقت پاسداری می‌کند و ذهن‌ها را در برابر تحریف مصون می‌سازد. مردم‌سالاری دینی بدون آگاهی عمومی، به پوسته‌ای بی‌جان بدل می‌شود؛ و بسیج، با جهاد فکری خود، خون تازه‌ای در شریان فهم اجتماعی جاری می‌کند.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامیة.

یکی از مهم‌ترین عرصه‌های مردم‌سالاری دینی، آگاهی و روشننگری است. قرآن کریم در سوره نحل آیه ۱۲۵ می‌فرماید: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. این آیه، مأموریت فرهنگی بسیج را در جهاد تبیین ترسیم می‌کند

بسیج و صیانت از هویت ملی در عصر جهانی سازی فرهنگی



جهانی سازی فرهنگی؛ فرصت یا تهدید؟

جهان امروز به دهکده‌ای جهانی تبدیل شده است؛ اما این دهکده، بیش از آنکه محل گفت‌وگو باشد، میدان نفوذ فرهنگی قدرت‌هاست. جریان جهانی سازی فرهنگی، با ابزار رسانه، سرگرمی و فناوری، در پی یکسان سازی سبک زندگی و باورهای ملت‌هاست. قرآن کریم در سوره حجرات آیه ۱۳ می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا»؛ ما شما را ملت‌ها و قبایل مختلف آفریدیم تا یکدیگر را بشناسید. این آیه، تفاوت فرهنگی را نشانه حکمت الهی می‌داند نه مانع پیشرفت. اما نظام سلطه، می‌کوشد با شعار «جهان واحد»، این تنوع الهی را به نفع منافع خود نابود سازد.

هویت ملی در نگاه اسلامی

در منطق قرآن و اهل بیت (ع)، هویت ملی و دینی دو ساحت جدا از هم نیستند. اسلام نه تنها با هویت فرهنگی ملت‌ها مخالفت ندارد، بلکه آن را ابزار شکوفایی می‌داند. امام علی (ع) در نهج البلاغه، نامه ۵۳ به مالک اشتر می‌فرماید: «لا تكن عليهم سبعا ضاريا تغتمهم أكلهم»؛ بر مردم چون حیوان درنده مباش که در صدد بلعیدنشان باشی. این سخن، تکیه بر احترام به مردم، فرهنگ و اصالت آنان دارد. هویت ملی یعنی احساس تعلق به گذشته، ارزش‌ها و سرزمینی که با ایمان و اخلاق گره خورده است. در جامعه ایران، این هویت از پیوند میان اسلام و ایرانیت شکل گرفته و بسیج، پاسدار این پیوند است.

بسیج؛ حافظ مرزهای فرهنگی

از آغاز انقلاب اسلامی، بسیج در عرصه فرهنگ، آموزش، هنر و رسانه، مأموریت خود را در حفظ اصالت‌های دینی و ملی ایفا کرده است. در دوران جنگ تحمیلی، این نهاد با روایت‌های صادقانه از ایثار و مقاومت، نوعی حافظه جمعی ساخت که امروز نیز پایه هویت ملی است. از منظر جامعه‌شناسی فرهنگی، ملت‌ها زمانی پایدار می‌مانند که حافظه تاریخی و نمادهای مشترکشان حفظ شود. بسیج با برگزاری یادواره‌ها، جشنواره‌های فرهنگی، اردوهای جهادی و فعالیت‌های آموزشی، همان حافظه را زنده نگه می‌دارد.

مقاومت فرهنگی در برابر نفوذ نرم

جهانی سازی فرهنگی، با ظاهری جذاب و نرم، در صدد نفوذ در ذهن و سبک زندگی جوانان است. در چنین وضعیتی، بسیج فرهنگی به منزله سپر دفاع نرم عمل می‌کند. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۲، ص ۲۲۳) می‌فرماید: «احفظ لسانک تسلماً»؛ زبانت را نگه دار تا سالم بمانی. در جهان رسانه‌ای، این سخن به معنای «صیانت از ذهن و گفتار» است؛ یعنی مراقبت از آنچه می‌پذیریم و بازتاب می‌دهیم. جوان بسیجی، با سواد رسانه‌ای و بینش دینی، می‌تواند در

این میدان، سرباز فرهنگ بومی باشد. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، هویت زمانی پایدار می‌ماند که انسان احساس کند ریشه دارد؛ و بسیج، همان ریشه را به نسل جدید یادآوری می‌کند.

تلفیق ایمان، ایران و علم

هویت ایرانی اسلامی، نه نفی کننده علم جهانی است و نه بسته در برابر فرهنگ‌های دیگر. بلکه با تکیه بر ایمان، خودباوری و عقلانیت، توان گفت‌وگو و انتخاب دارد. قرآن در سوره نحل آیه ۹۰ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»؛ خداوند به عدالت و نیکو کاری فرمان می‌دهد. عدالت فرهنگی نیز یعنی حفظ توازن میان تعامل جهانی و اصالت بومی. بسیج علمی و فرهنگی می‌تواند این عدالت را برقرار کند؛ از یک سو در تولید دانش و فناوری جهانی سهیم باشد و از سوی دیگر، ارزش‌های اخلاقی و هویتی خود را پاس بدارد.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

جوان بسیجی، با سواد رسانه‌ای و بینش دینی، می‌تواند در این میدان، سرباز فرهنگ بومی باشد. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، هویت زمانی پایدار می‌ماند که انسان احساس کند ریشه دارد؛ و بسیج، همان ریشه را به نسل جدید یادآوری می‌کند

تمدن‌سازی نوین اسلامی و نقش نیروهای جهادی مردمی

تمدن؛ حاصل ایمان و عمل

تمدن، صرفاً مجموعه‌ای از ساختمان‌ها و فناوری‌ها نیست، بلکه حاصل ایمان، اخلاق و اراده جمعی یک ملت است. تمدن اسلامی در طول تاریخ، زمانی شکوفا شد که علم و معنویت، عقل و عشق، و دین و زندگی در کنار هم قرار گرفتند. قرآن کریم در سوره رعد آیه ۱۱ می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ»؛ خداوند سرنویشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد مگر آنکه خود را تغییر دهند. این آیه اساس نظری تمدن‌سازی نوین اسلامی است: تغییر از درون، با تکیه بر ایمان و عمل. تمدن نوین اسلامی، نه بازگشت به گذشته، بلکه احیای روح معنویت در قالبی معاصر است؛ تلاشی برای ساخت جامعه‌ای که علم، اخلاق، عدالت و پیشرفت در آن هم‌افزا باشند.

نقش مردم در خیزش تمدنی

هیچ تمدنی بدون حضور مردم پایدار نمی‌ماند. از منظر اسلام، مردم نه توده‌ای منفعل، بلکه عامل حرکت تاریخی‌اند. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، خطبه ۳۴ می‌فرماید: «لَا قَوْمَ لِلدِّينِ إِلَّا بِسُلْطَانٍ وَلَا سُلْطَانَ إِلَّا بِرَعِيَّةٍ»؛ دین بدون جامعه برپا نمی‌ماند و حکومت بدون مردم پایدار نیست. این سخن، محور مردم‌محوری در اندیشه اسلامی را آشکار می‌سازد. در تمدن‌سازی نوین، مردم باید نه تنها مخاطب، بلکه خالق باشند. نیروهای جهادی مردمی، تجسم این حقیقت‌اند؛ مردمانی که در محروم‌ترین مناطق، بدون انتظار پاداش، آبادانی، آموزش، و امید می‌کارند و با عمل خود، فرهنگ خدمت را جایگزین فردگرایی کرده‌اند.

جهاد مردمی؛ موتور پیشرفت تمدنی

جهاد مردمی، همان حرکت خودجوشی است که در دل جامعه اسلامی، بی‌نیاز از دستور رسمی، شکل می‌گیرد. از جهاد سازندگی در دهه نخست انقلاب تا گروه‌های جهادی امروز در عرصه علم، فرهنگ و سلامت، این روحیه ثابت کرده که مردم می‌توانند محور تمدن باشند. امام صادق(ع) در اصول کافی (ج ۲، ص ۱۶۴) می‌فرماید: «خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسَ»؛ بهترین مردم کسی است که بیشترین سود را به دیگران رساند. نیروهای جهادی با همین منطق، خیر جمعی را جایگزین منفعت فردی می‌کنند. از نگاه جامعه‌شناسی توسعه، هیچ تمدنی بدون «سرمایه اجتماعی» ساخته نمی‌شود؛ و جهاد مردمی، منبع همین سرمایه است: اعتماد، ایثار و همبستگی.

علم، ایمان و کار؛ سه ضلع تمدن نوین

تمدن نوین اسلامی، بر سه رکن اصلی استوار است: علم، ایمان و کار. قرآن در سوره توبه آیه ۱۰۵ می‌فرماید: «وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ»؛ بگو عمل کنید، خداوند عمل شما را خواهد دید. علم، بدون ایمان به خودباوری نمی‌رسد، و ایمان، بدون کار، در حد شعار می‌ماند. نیروهای جهادی مردمی با ترکیب این سه عنصر، الگویی نو از پیشرفت ارائه کرده‌اند. آن‌ها نه در انتظار بودجه، بلکه با خلاقیت و روحیه بسیجی، مسائل واقعی جامعه را



حل می‌کنند. در بحران کرونا، در طرح‌های محرومیت‌زدایی و در پروژه‌های علمی دانش‌بنیان، این نیروها نشان دادند که تمدن اسلامی از دل میدان عمل زاده می‌شود، نه از پشت میزهای نظریه‌پردازی.

معنویت در خدمت تمدن

تمدن اسلامی، تمدن ابزار نیست، بلکه تمدن ارزش‌هاست. هدف آن ساخت انسان مؤمن و جامعه عادل است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، حکمت ۸۱ می‌فرماید: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ»؛ ارزش هر انسان به دانشی است که آن را نیکو به کار گیرد. بنابراین، تمدن‌سازی نوین اسلامی نه رقابت در فناوری صرف، بلکه تلاش برای تربیت انسان متخلق است. نیروهای جهادی، در این مسیر، روحیه معنوی و تربیتی را محور فعالیت خود قرار داده‌اند. از دیدگاه روان‌شناسی اجتماعی، چنین کنش داوطلبانه‌ای موجب افزایش «سرمایه معنوی» جامعه می‌شود؛ همان نیروی نامرئی که جامعه را در بحران‌ها مقاوم نگه می‌دارد.

منابع:

۱. نهج‌البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.

۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

تمدن اسلامی، تمدن ابزار نیست، بلکه تمدن ارزش‌هاست. هدف آن ساخت انسان مؤمن و جامعه عادل است. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه، حکمت ۸۱ می‌فرماید: «قِيمَةُ كُلِّ امْرِئٍ مَا يُحْسِنُهُ»؛ ارزش هر انسان به دانشی است که آن را نیکو به کار گیرد. بنابراین، تمدن‌سازی نوین اسلامی نه رقابت در فناوری صرف، بلکه تلاش برای تربیت انسان متخلق است



نسل زد و الگوی جدید از روحیه بسیجی

نسل جدید؛ در جستجوی معنا در دنیای بيمرز

نسل Z، نسلی است که در فضای دیجیتال زاده شده و با اینترنت، شبکه‌های اجتماعی و ارتباطات جهانی رشد یافته است. این نسل، آگاه، منتقد و حساس به عدالت است؛ اما همزمان در معرض سیل اطلاعات، هویت‌های مجازی و سردرگمی معنوی قرار دارد. قرآن کریم در سوره عصر آیه ۲ می‌فرماید: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِفِي خُسْرٍ إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ»؛ همانا انسان در زیان است مگر آنان که ایمان آورده و عمل صالح انجام دهند. این آیه، تصویری دقیق از جهان امروز است: دانستن کافی نیست، باید ایمان و عمل را به هم پیوند زد. روحیه بسیجی، همان نیروی معنوی است که می‌تواند نسل Z را از غرق شدن در دنیای مصرفی و بی‌معنا نجات دهد.

روحیه بسیجی؛ از جبهه تا جهاد فرهنگی

روحیه بسیجی، مفهومی تاریخی نیست، بلکه یک نگرش دائمی است؛ ترکیب ایمان، مسئولیت، امید و خدمت. امام خمینی (ره) فرمود: «اگر بسیج جهانی مستضعفین شکل گیرد، امید است حکومت عدل جهانی تحقق یابد.» این سخن نشان می‌دهد که روحیه بسیجی، فراتر از نظامیگری است و در عرصه فرهنگی، علمی و اجتماعی نیز معنا دارد. نسل Z، برخلاف تصور عمومی، نسلی مایوس یا بی‌تعهد نیست؛ بلکه تشنه عدالت، آزادی و تأثیرگذاری است. اگر ارزشهای بسیجی در قالبی نو و متناسب با زبان این نسل ارائه شود، می‌تواند الهامبخش بزرگترین حرکت فرهنگی زمان ما باشد.

نسل Z؛ جهادگر دانایی و رسانه

در دوران جنگ شناختی، میدان جهاد از خاک از خاک به ذهن منتقل شده است. جوان امروز، سرباز این جبهه است؛ اما سلاحش قلم، تصویر و رسانه است. قرآن در سوره نحل آیه ۱۲۵ فرمان می‌دهد: «ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ»؛ مردم را با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن. نسل Z، اگر آموزش ببیند که چگونه در فضای مجازی از حقیقت دفاع کند، خود تبدیل به جهادگر فرهنگی می‌شود. روحیه بسیجی در این نسل یعنی «حضور آگاهانه در رسانه»، یعنی استفاده از ابزار فناوری نه برای سرگرمی، بلکه

برای تبیین حقیقت، امیدآفرینی و ساختن آینده.

از احساس تا اقدام؛ بازتعریف اینبار

نسل Z، نسلی احساسگراست؛ اما این احساس، اگر با ایمان و هدف ترکیب شود، می‌تواند نیرویی بزرگ برای تحول باشد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵ می‌فرماید: «فَإِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ»؛ حق سنگین است و باطل سبک. روحیه بسیجی، شجاعت تحمل سنگینی حق است؛ یعنی مقاومت در برابر راحت‌طلبی، شهرت‌خواهی و سطح‌نگری. در علوم اجتماعی امروز نیز، «نسل کنشگر» به نسلی گفته می‌شود که از مصرف‌کننده فرهنگ، به تولیدکننده معنا تبدیل می‌شود. نسل Z، اگر با ایمان و شناخت تربیت شود، می‌تواند در عرصه علم، فناوری و عدالت اجتماعی، همان نقشی را ایفا کند که بسیجیان دهه ۶۰ در میدان نبرد ایفا کردند.

الگوی جدید از بسیج‌گری؛ ایمان هوشمندانه

نسل امروز با منطق گفتگو، استدلال و تجربه زیست‌شده قانع می‌شود. بنابراین، الگوی جدید روحیه بسیجی باید عقلانی، رسانه‌ای و جهانی باشد. امام صادق (ع) در اصول کافی (ج ۱، ص ۲۵) می‌فرماید: «الْعَالِمُ بِزَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ اللَّوَابِسُ»؛ کسی که زمان خود را بشناسد، گرفتار اشتباه نمی‌شود. نسل Z، نیازمند الگویی از ایمان است که در کلان‌زمانه باشد. بسیجی امروز، همان جوان تحصیلکرده، رسانه‌بلد، اهل گفتگو و اخلاقی است که در عین حضور در جهان دیجیتال، ریشه در قرآن و معنویت دارد. این نسل، اگر ایمان را با علم و آزادی درونی پیوند دهد، می‌تواند ادامه‌دهنده مسیر تمدن‌سازی اسلامی باشد.

منابع:

۱. نهج البلاغه، گردآورنده شریف رضی، ترجمه محمد دشتی.
۲. اصول کافی، شیخ کلینی، دارالکتب الإسلامية.

نسل Z، نسلی احساسگراست؛ اما این احساس، اگر با ایمان و هدف ترکیب شود، می‌تواند نیرویی بزرگ برای تحول باشد. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه، خطبه ۱۷۵ می‌فرماید: «فَإِنَّ الْحَقَّ ثَقِيلٌ وَالْبَاطِلُ خَفِيفٌ»؛ حق سنگین است و باطل سبک. روحیه بسیجی، شجاعت تحمل سنگینی حق است؛ یعنی مقاومت در برابر راحت‌طلبی، شهرت‌خواهی و سطح‌نگری



گفت‌وگو با خواهر فاطمه فتوحی مدیر مرکز فرهنگی خواهران شاغل سپاه

آموزشی و مهارتی، و ارتباطات اجتماعی.

۲. عرصه میدان جهاد تبیین که آثار در قالب روایت ارائه میشوند و محورهای همچون جهاد فرهنگی و گفتمانسازی، خدمترسانی، بصیرت‌افزایی، امیدآفرینی، تربیت نسل مهدوی و ترویج عفاف و حجاب را دربر میگیرد.

به بیان دیگر، مبین هم عرصه تفکر و ایده است و هم میدان عمل و روایت.

هدف ما این است که اثرگذاری این رویداد در متن جامعه دیده شود، نه صرفاً در قالب همایش و سخنرانی.

بانوان؛ کنشگران خط مقدم جهاد تبیین

خبرنگار: چرا بر حضور بانوان در این عرصه تأکید ویژه‌ای دارید؟

مدیر: در عصر جنگ نرم، بانوان نه تنها مخاطب اول، بلکه کنشگر اصلی هستند. نقش زنان مؤمن و آگاه در پاسداری از گفتمان انقلاب اسلامی بیدیل است. آنان میتوانند با نگاه تحلیلی و روحیه انقلابی، پیام حقیقت را در فضای رسانهای و اجتماعی منتشر کنند. از همین رو، جهاد تبیین برای بانوان یک وظیفه الهی و انقلابی است، نه انتخابی اختیاری.

نگاه به آینده؛ از همایش تا تحقق میدانی

خبرنگار: در پایان، چه پیامی برای شرکتکنندگان دارید؟

مدیر: امیدواریم خواهران شاغل با بهره‌گیری از ظرفیتهای فکری، هنری و رسانهای خود، حضوری پرشور و تأثیرگذار در دومین همایش مبین داشته باشند. ما معتقدیم که خروجی این حرکت باید در کف میدان و در متن جامعه دیده شود؛ تبیینی که در رفتار، امید و خدمت متجلی گردد.

«مبین»؛ حرکت جهادی خواهران سپاه در میدان تبیین

در روزگاری که جنگ روایتها و نبرد رسانهای به اوج خود رسیده است، نقش بانوان در تبیین حقیقت و دفاع از ارزشهای انقلاب اسلامی بیش از پیش اهمیت یافته است. در همین راستا، معاونت فرهنگی و تبلیغات نمایندگی ولیفقیه در سپاه پاسداران، با الهام از رهنمودهای فرماندهی معظم کل قوا (مدظله‌العالی) نخستین جشنواره «مبین» را در اسفند سال گذشته برگزار کرد. این جشنواره با هدف نقش‌آفرینی فرهنگیان خواهر شاغل در عرصه جهاد تبیین، آغازگر حرکتی نوین در عرصه فرهنگ و رسانه شد. گفتوگوی پیش رو، نگاهی دارد به اهداف و رویکردهای دومین همایش مبین.

از جشنواره تا جریانسازی فرهنگی

خبرنگار: خانم فتوحی، ابتدا بفرمایید همایش مبین با چه هدفی شکل گرفت؟

مدیر مرکز فرهنگی خواهران شاغل سپاه: این همایش در راستای تحقق تدابیر فرمانده معظم کل قوا درباره «فوریت جهاد تبیین» برگزار شد. در نخستین دوره، تعداد قابل توجهی از فرهنگیان خواهر در عرصه‌های گوناگون ایده‌پردازی و فعالیت کردند و از برگزیدگان نیز تقدیر شد. هدف ما فراتر از برگزاری یک جشنواره است؛ ما به دنبال شکلگیری بدنهای مؤمن، تحلیلگر و توانمند از بانوان سپاه هستیم تا در میدانهای فکری و فرهنگی نقش‌آفرینی مؤثر داشته باشند.

دومین همایش مبین؛ از ایده تا عمل

خبرنگار: در دوره دوم، ساختار همایش چه تغییری کرده است؟

مدیر: دومین همایش مبین در دو عرصه برگزار میشود:

۱. عرصه ایده پردازی اقدامات تبیینی شامل موضوعات قرآنی، تبلیغی، هنری، رسانهای و فضای مجازی،



خستگی ناپذیری بسیج در میدان عمل

خستگی ناپذیری در جامعه‌ی امروز

در شرایط اجتماعی امروز، که بسیاری از فعالیت‌ها با فشار، رقابت و چالش‌های اخلاقی همراه است، نیاز به روحیه استقامت بیش از همیشه احساس می‌شود. جامعه‌ای که افرادش در برابر سختی‌ها زود دلسرد شوند، نمی‌تواند پیشرفت کند. اما اگر افراد مانند یک بسیجی واقعی با الگوی عاشورایی به کار بنگرند—یعنی کار را تکلیف بدانند نه معامله—در سخت‌ترین شرایط نیز امیدشان را از دست نخواهند داد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «الْمُؤْمِنُ يَعْمَلُ اللَّهُ خَوْفًا وَرَجَاءً» (اصول کافی، ج ۲، ص ۸۷)؛ مؤمن برای خدا کار می‌کند، هم با بیم و هم با امید. این تعادل میان خوف و رجاء، انسان را از یأس و غرور می‌رهاند و به استمرار در عمل می‌رساند.

خستگی ناپذیری در میدان عمل، نه یعنی نداشتن احساس خستگی، بلکه یعنی فراتر رفتن از آن. یعنی باور به اینکه کار برای حق، ارزشمندتر از آسایش زودگذر است. عاشورا به ما آموخت که هر لحظه‌ی زندگی، میتواند جبهه‌های از جهاد باشد؛ در علم، در کار، در خدمت به مردم. انسان مؤمن میدانند که پاداش اصلی در نتیجه نیست، بلکه در مسیر درست قدم برداشتن است. آنگاه که نیت الهی با پشتکار همراه شود، خستگی تبدیل به لذت میگردد. همانگونه که قرآن وعده داده است: «وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ... أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ» (رعد، ۲۲). چنین روحیه‌ای جامعه‌ای پویا، مقاوم و بانگیزه می‌سازد—جامعه‌ای که راه خود را از عاشورا می‌آموزد.

منابع:

۱. مطهری، مرتضی. انسان و ایمان. انتشارات صدرا.
۲. رایان، ریچارد و دسی، ادوارد. انگیزش و شخصیت. ترجمه سید کمال خرازی، انتشارات رشد.

در شرایط اجتماعی امروز، که بسیاری از فعالیت‌ها با فشار، رقابت و چالش‌های اخلاقی همراه است، نیاز به روحیه‌ی استقامت بیش از همیشه احساس می‌شود. جامعه‌ای که افرادش در برابر سختی‌ها زود دلسرد شوند، نمی‌تواند پیشرفت کند

خستگی ناپذیری، از زیباترین جلوه‌های ایمان و تعهد است. انسانی که هدفش را الهی میدانند، هرگز از سختی‌ها نمی‌هراسد و با هر مانع، انگیزه‌اش افزون‌تر میشود. بسیجی، این روحیه را به اوج رساند؛ جایی که مؤمنان راستین در برابر طوفان بلا ایستادند و با صبر و پایداری، مفهوم واقعی «کار برای خدا» را معنا کردند. در روزگار ما نیز، خستگی ناپذیری یکی از نیازهای حیاتی جامعه و سازمان‌هاست؛ چرا که مسیر خدمت و اصلاح، همواره دشوار اما پربثمر است.

الگوی عاشورایی در خستگی ناپذیری

در میدان عاشورا، خستگی جایی نداشت. با وجود تشنگی، زخم و تنهایی، هیچیک از یاران امام حسین (ع) از پاننشستند. حیب بن مظاهر در هفتادسالگی، شمشیر به دست در صف نخست ایستاد و میگفت: «اگر هزار بار کشته شوم و زنده گردم، باز در یاری فرزند پیامبر خواهم کوشید». این روحیه، عصاره‌ی خستگی ناپذیری در ایمان است. امام حسین (ع) خود در واپسین لحظات فرمود: «صبراً بنی‌الکرام، فما الموت إلا قنطرة» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۹۷)؛ صبر کنید ای بزرگزادگان، که مرگ جز پلی نیست به سوی جاودانگی. درسی که عاشورا به انسان می‌دهد، این است که کار برای حقیقت، هرگز به پایان نمی‌رسد.

روانشناسی پایداری و انگیزش درونی

از نگاه روانشناسی انگیزش، انسانهایی که هدف معنوی دارند، خستگی را نه مانع، بلکه بخشی از مسیر میدانند. نظریه «خودتعیین‌گری» (Self-Determination Theory) بیان میکند که کسانی که احساس «هدفمندی» و «ارزش» در کار خود دارند، کمتر دچار فرسودگی شغلی میشوند. در مکتب اسلامی نیز، عمل برای رضای خدا همان هدف غایی است که انگیزه را جاودانه می‌سازد. وقتی انسان بداند هر تلاشی هرچند کوچک در نگاه الهی ثبت میشود، خستگی از جان‌ش رخت برمیندد. قرآن وعده میدهد: «إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه، ۱۲۰).



تجربه، سرمایه‌ای برای ماندن در مسیر گفت‌وگو با برادر مجتبی صفاری، از پیشکسوتان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

شکنجه می کردند. گاهی صبح تا شب گرسنه می ماندیم، گاهی در سرمای بیابان با دستبند به تیر بسته میشدیم. هر روز ما را برای اعدام می بردند؛ صدای اسلحه، خاک، فریاد و سکوت. اما خدا در دل آن تاریکی با ما بود. ذکر «حسی الله و نعم الوکیل» آرام مان می کرد. در یکی از شب ها به خودم گفتم اگر این لحظه، آخرین لحظه زندگی ام باشد، باید آن را با ایمان سپری کنم. از آن پس، ترس در دلم مرد. وقتی در عملیات رود ماهی زاهدان آزاد شدیم، احساس می کردم دوباره متولد شده‌ام. بعدها فهمیدم این اسارت، تمرین بندگی بود نه شکستن. خدا میخواست به من یاد دهد که در بدترین شرایط، امید نباید بمیرد.

بازگشت به خدمت؛ از میدان تا مدیریت
سؤال: بعد از آزادی، چگونه مسیر خدمت را ادامه دادید؟
بعد از بازگشت، در تیپ عاشورا و سپس در لشکر امام حسین (ع) مسئول پرسنلی و بازرسی شدم. تا سال ۷۶ در این مسئولیت بودم. دوباره به سیستان برگشتم و تا ۸۲ در سمت خدمات پرسنلی خدمت کردم. بعد از آن، مسئول نیروی انسانی دژبان کل سپاه شدم و سپس در بنیاد تعاون مسئول گزینش بودم. سال ۸۷ بازنشسته شدم، اما هیچ وقت احساس نکردم تمام شده. پاسداری برای ما لباس نیست؛ عهدی است که با خون شهدا بسته ایم.

مأموریت دوباره؛ دفاع از حرم
سؤال: از حضور در سوریه و گروه نبویان بگوئید.
بعد از بازنشستگی، در گروه «نبویان» که با دستور حاج قاسم سلیمانی تشکیل شد، حضور یافتم. این گروه متشکل از مدافعان حرم شیعه و سنی بود. از سال ۱۳۹۴ تا ۱۳۹۶ در سوریه بودم و مسئول ستاد پشتیبانی توپخانه شدم. در آنجا کسی منتظر دستور نمی ماند؛ کارها با عشق و ایمان پیش می رفت. در عملیات فتح حلب و بعد در بوکمال، شاهد جلوه هایی از اخلاص حاج قاسم بودم. به یاد دارم یک شب ساعت دو نیمه شب، برای

در روزگاری که سرعت و تکنولوژی، گاهی مجال اندیشیدن را از ما میگیرد، شنیدن سخن کسانی که با ایمان و اخلاص راه را پیموده اند، ضرورتی فرهنگی است. گفت و گوی پیشرو با برادر **مجتبی صفاری**، از پیشکسوتان سپاه، نه فقط روایت جنگ و خدمت است، بلکه سفری است از میدان نبرد تا سنگر خانواده، از اسارت تا تجربه ی آزادی. مردی که سی سال لباس خدمت بر تن داشت و پس از بازنشستگی نیز میدان را ترک نکرد.

آغاز راه؛ از شور انقلاب تا خط مقدم سؤال: از نخستین سالهای خدمتتان بگوئید.

من مجتبی صفاری هستم، متولد ۱۳۴۰ در نوش آباد کاشان. با آغاز انقلاب، نوجوانی ام رنگ دیگری گرفت. احساس می کردم باید در دفاع از این خاک سهمی داشته باشم. سال ۱۳۵۹ به فرماندهی سردار جاهد در سیستان و بلوچستان وارد سپاه شدم. منطقه ناامن و شرایط سخت بود، اما ایمان نیروها، بزرگ ترین سرمایه ما بود. مدتی بعد به مروان رفتم و افتخار خدمت زیر نظر حاج احمد متوسلیمان را یافتم. در آن روزها با شهدای بزرگی مانند حاج عباس کریمی، اکبر زجاجی، برادر دستواره و رضا چراغی هم سنگر بودم. بعدها در تیپ المهدی، تحت فرماندهی حاج علی فضلی، در عملیات فتح المبین حضور داشتم و در همان عملیات مجروح شدم. پس از بازگشت و درمان، مسئول اعزام نیرو و در کاشان شدم و سپس به معاونت پرسنلی تیپ سوم عاشورا از لشکر مقدس امام حسین (ع) منتقل گردیدم.

روزهای سخت و ایمان آفرین اسارت سؤال: از تجربه ی اسارت در سیستان و بلوچستان بر ایمان بگوئید.

یکی از مأموریت های به یادماندنی من سوم خرداد ۱۳۶۹ بود. در ۵ کیلومتری کرمان روبروی کارخانه سیمان در کمین اشراغ افزادیم و به اسارت درآمدیم. ۴۵ روز تمام در بند بودیم؛ روزهایی که هر ساعتش به اندازه ی یک سال می گذشت. اشراغ ما را با خشونت و تحقیر

واقعی یک فرمانده.

در سوریه نیز از سید جعفر امیری، رزمنده فاطمیان، بسیار آموختم. جوانی مؤمن و شهنشدهار که همیشه لبخند بر لب داشت و با اخلاص کار می کرد تا آنکه در سال ۱۳۹۶ در بوکمال شهید شد. این چهره ها برای من تجسم معنای «عبد صالح خدا» بودند.

مدیریت، محبت و نظم

سؤال: رابطه تان با فرماندهان و زیردستان چگونه بود؟

در برابر فرماندهان اطاعت محض داشتم، ولی اگر نظر کارشناسی داشتم، مؤدبانه میگفتم. با زیردستانم صمیمی بودم. احترام و محبت، اساس کار ما بود. در سوریه رانندهای افغانی داشتم که میگفت: «برای شما نمی خوابم تا مأموریت به پایان برسد». اهل نماز شب بود و در عملیات بوکمال شهید شد. او نمونه ای از همان ایمان زلالی بود که هیچ مرزی نمی شناسد.

تأملی در تجربه ها

سؤال: اگر به گذشته برگردید، چه تصمیمی را تغییر میدیدید؟

شاید فقط یک چیز؛ اینکه مدتی از مناطق عملیاتی دور بودم. امروز احساس میکنم می توانستم بیشتر در میدان باشم. اما خدا را شکر، هیچ لحظه ای از زندگی ام بی ثمر نبوده. هر کجا که بودم، سعی کردم سرباز انقلاب بمانم.

توصیه ای پدران به پاسداران جوان

سؤال: چه پیامی برای افسران جوان دارید؟

فرمانده واقعی اول خودش را مدیریت می کند. دل به کار بدهید، نه فقط به دستور. کار برای خدا را از نماز جدا نکنید. به ولایت فقیه گوش بسپارید و از تجربه پیشکسوتان بهره بگیرید. ما رفتیم تا شما بمانید، و شما بمانید تا پرچم بر زمین نماند. به یاد داشته باشید: اخلاص، مثل خاک است؛ بی صدا اما بارور کننده. هر که برای خدا کار کند، هرگز بازنشسته نمیشود.

پیام ارزشی مصاحبه:

«پاسداری، لباسی نیست که از تن درآید؛ عهدی است میان انسان و خدا. کسی که با ایمان خدمت کند، هرگز از میدان بیرون نمی رود؛ فقط سنگرش را عوض میکند.»



از راست اولین نفر شهید مدافع حرم شهید مصطفی زاهدی برادر شهید و جانباز و نفر دوم ابن حقیر

گرفتن گلوله های هدایت شونده خدمت ایشان رسیدیم. گفتند حاجی تازه خوابیده. حاج قاسم وقتی مطلع شد، گفت: «چرا عملیات را دو ساعت عقب انداختی؟» او اهل تعلل نبود. در دل محاصره می ماند و نیروها را دلگرم میکرد. در بوکمال، با فرماندهی او، وعده نابودی داعش در سه ماه محقق شد؛ وعدهای که به ظاهر غیرممکن بود، اما ایمان ممکنش کرد.

خانواده، سنگر دوم یک پاسدار

سؤال: نقش خانوادهتان در این مسیر چگونه بود؟

همسرم پاسدار بود و از روز اول یار و مددکار من. در دوران خدمت، همیشه در کنارم بود، چه در جنگ و چه در بازسازی. در سوریه هم از راه دور پشتیبان بود؛ کمک های مردمی جمع آوری می کرد، با خانواده شهدا ارتباط داشت و در کارهای خیر پیشگام بود. امروز هم مسئول بسیج خواهران شهید محلاتی است و در مناطق محروم خدمت میکند. ما سه فرزند داریم که هر سه با تحصیلات عالی در خدمت نظام اند. همیشه می گویم اگر من توانستم در مسیر بمانم، به خاطر خانواده ای بود که پشتم ایستادند. در سخت ترین روزها، لبخند همسرم و دعای فرزندانم، آرامش و انگیزه ی ادامه ی راه بود.

ارزش هایی که زندگی را معنای دهند

سؤال: از ارزش هایی بگوئید که در دوران خدمت به آن پایبند بودید.

اخلاص، ایثار، توکل و برادری. ما یاد گرفته بودیم که موفقیت بدون نیت خدایی، هیچ ارزشی ندارد. در جبهه فرمانده و نیرو کنار هم می خوابیدند و با هم غذا می خوردند. این وحدت، قدرتی می آفرید که هیچ دشمنی تابش را نداشت. برادران ارتشی از این صمیمیت تعجب می کردند و می گفتند: «شما با هم زندگی می کنید، نه فقط می جنگید!» واقعاً هم چنین بود. نماز شب، دعا و یاد خدا نفس ما را تازه میکرد.

الگوهای ایمان و فروتنی

سؤال: چه کسانی الهام بخش شما بودند؟

شهادی مانند حاج احمد متوسلیان، حاج حسین خرازی، حاج قاسم سلیمانی و شهید زجاجی برایم الگو بودند. هنوز هم تصویر حاج حسین خرازی در ذهنم زنده است که نیمه شب در عملیات خیر خودش مشغول تمیز کردن سرویس بهداشتی بود. این یعنی فروتنی



نشسته بنده حقیر و ایستاده از راست سردار شهید خلیل قسمت کننده جانشین گردان امام محمدباقر

شعر فرهنگیاران: انگشتر اقبال احمد مسرور از نیروی زمینی سپاه

دست است؟ نه انگشتر اقبال بلند است
گیسوی تو ای سرو، چه حلاج پسند است
بازی نشنیدیم چنین تیز بتازد
رفتی که بفهمیم به جز قید تو بند است
هر زهرِ هلاهل که به حلق تو چکانند
حیرت زده دیدند که در کام تو قند است
ای سرخ تر از سرخ تر از سرخ تر از سرخ...
در بی کفنی باز قبای تو پزند است
رفتی تو از این خاک و به گردت نرسیدیم
بر خاک قدم‌های تو یک بوسه به چند است؟
چون مالک اشتر، نفست، نای ولایت
دستان تو با دست ولی، قافیه مند است
داغ تو نشسته است به هر سینه عاشق
داغی است که هم قله ابروی کمند است
ای قله ترین قله تاریخ رشادت
بر شانه تو نقشه البرز و سهند است
جاری است به رگ‌های زمین خون سیاووش
فریاد سکوت تو بر آفاق بلند است
ما برکه نبودیم که در خواب بمیریم
رودیم که مرگ از تپش ما به گزند است



سیری در نهج البلاغه

کشایش در دعا

ما كان الله ليفتح على عبد باب الشكر و يغلق عنه باب الزيادة، و لا ليفتح على عبد باب الدعاء و يغلق عنه باب الاجابة. چنین نیست که خداوند، باب شکر را بر بنده‌ای بگشاید و در فراوانی را بر او ببندد و چنین هم نیست که باب دعا را بر کسی بگشاید، اما در اجابت را به رویش ببندد. (حکمت ۴۳۵)

دفع بلا با دعا

ادفعوا أمواج البلاء بالدعاء. امواج بلا را با دعا بازپرس رانید. (حکمت ۱۴۶)

اخلاص در سؤال

(قال لابنه الحسن عليه السلام): و أخلص في المسألة لربك فان بيده العطاء و الحرمان (به فرزندش امام حسن علیه السلام فرمود): در سؤال (حاجت) از پروردگارت اخلاص داشته باش؛ زیرا بخشش و محروم ساختن در دست اوست. (نامه ۳۱)

محروم نبودن از اجابت

من أعطى أربعاً لم يحرم أربعاً، من أعطى الدعاء لم يحرم الإجابة... هر که را چهار چیز دهند، از چهار چیز محروم نماند، آن را که دعا دهند از اجابت محروم نکنند... (حکمت ۱۳۵)

دعاکننده بدون عمل

الدّاعي بلا عمل كالرّامي بلا وتر. دعاکننده بدون عمل، مانند تیرانداز بدون وتر (زه کمان) است. (حکمت ۳۳۷)



ہفت ماہ بیکریا

سَلَامٌ عَلَيْهَا
اَللّٰهُمَّ



سالروز ولادت با سعادت حضرت فاطمه زهرا (س) را
رحم بر کبیر انقلاب امام خمینے (ره) بر تنگان تبریک و تحنیت باد